

تقدیم بہ پررم

کسر که نام و یادنر

هميشم

در فاطر مع ت ابد جاو دانه فواهد بود.

رومشر می د.

پدید آورنده انصاری، محمد جواد، ۱۳۵۷

عنوان گرامر برای دانشجویان

تکرار نام پدید آور محمد جواد انصاری

مشخصات نشر قم ، انتخاب روز، ۱۳۹۲

مشخصات ظاهری ۱۵۸ ص

شابک I3BN 978-600-6768-14-4

وضعیت فهرست نویسی فیپا

یادداشت فارسی – انگلیسی

موضوع زبان انگلیسی – دستور – راهنمای اَموزشی(عالی)

موضوع زبان – دستور – اَزمونها و تمرینها (عالی) ده کنگره ۱۳۹۲، ۴گ۹ الف/۹۳۰

رده کنگره ۱۳۹۲، ۴گ۹ الف/۱۳۰۰ رده دیویی ۴۲۵

شماره مدرک ۲۹۱۲۳۲۸



### كرامربراى دانشجويان

مؤلف محمد جواد انصارى

ناشر انتخاب روز

نوبت سال و چاپ اول-۱۳۹۲

قیمت ۵۵۰۰ تومان

شابک ٤-١٤-٨٢٧٦-٠٠٠

قطع و تیراژ رقعی-۱۰۰۰ نسخه

مراکز پخش: شعبه مرکزی: قم-خیابان حجتیه-جنب درمانگاه قران وعترت ۰۹۱۲۷۷۹۳۲۷-۰۹۱۲۷۵۳۷۷ شعبه اول: قم- خیابان ارم- پاساژ قدس- پلاک ۱۱۳ – ۰۹۱۲۷۵۳۵۷۱ مرکز پخش تهران: انتشارات اشتیاق ۸۸۹۸۳۰۰

### فهرست

٧	خش یک: جملهSentence
١١	خش دو: اسم Noun
۲٠	خش سه: فعل Verb
	خش چهار: صَفت Adjective
	خش پنج: قيد Adverb
	خش شش: ضميرها Pronouns
	خش هفت: زمان ها Tenses
٦٨	خش هشت: مجهول  Passive Voice
٧٢	خش نه: نقل قول غير مستقيم Indirect Speech
	خش ده : جمله های شرطی  Conditional Sentences
	بخش یازده: جمله واره های قیدی Adverb Clauses
	خش دوازده: جمله واره های اسمی Noun Clauses
۹١	خش سیزده: جمله واره های وصفی Adjective (Relative) Clauses
	خش چهارده: عبارت وصفی Participle Phrase
١٠١	خش پانزده : مصدر Infinitive
١٠٤	بخش شانزده: اسم مصدر Gerund
	خش هفده: حرف های تعریف Articles
111	خش هجده: حرف های اضافه Prepositions
١٢١	خش نوزده: فعل های دوقسمتی(مرکب) Two-word (Phrasal) Verbs
١٣٤	خش بیست: ته جمله های سوالی  Question Tags (Tag Questions)
١٣٦	خش بيست و يك: كلمه – فعل Verb-Word
١٣٩	خش بیست و دو: بدل Apposition
121	خش بیست و سه: ساختارهای معلق Dangling Structures
124	خش بیست و چهار: ساختارهای مطلق  Absolute Constructions
	خش بیست و پنج: ساختارهای موازی Parallel Structures
	خش بیست و شش: عبارت اسم معنی Abstract Noun Phrase
	منابع

#### مقدمه:

یادگیری یک زبان بدون فراگیری و درک مفاهیم دستور زبانی آن امری مشکل و حتا می توان گفت غیر ممکن است. به عبارت دیگر، یادگیری دستور زبان، کلید راهیابی به زبان هدف می باشد. زبان انگلیسی نیز از این قاعده جدا نمی باشد. کتاب های فراوانی درباره دستور زبان و گرامر انگلیسی نوشته شده است که قابل تقدیر می باشد. اما هدف نویسنده این کتاب چیز دیگری بوده است. نویسنده این کتاب بر این عقیده است که کتاب های فراوانی در این عرصه وجود دارد که نیازی به دوباره کاری نمی باشد. اما آن چه مرا وا داشت که به این کار دست بزنم این بود که بتوانم نکته هایی را در این مجموعه گردآوری کنم که برای مترجمان و همه دانشجویان به ویژه دانشجویان رشته زبان انگلیسی که خواهان دانستن مطالب کاربردی زبان می باشند، مفید باشد. به همین دلیل از اطناب کلام دوری کردم و تنها به اشاراتی بسنده نمودم که برای اهل فن، اشارتی کافی است. البته، مطالب در عین اختصار، رسا می باشند. اما در عوض هر یک از مثال ها و جمله ها ارایه شده در این کتاب، خود روشین کننده بسیاری از ابهامات می باشد. به عنوان مثال، موارد زیر دقیقا مورد بحث و چالش قرار بسیاری از ابهامات می باشد. به عنوان مثال، موارد زیر دقیقا مورد بحث و چالش قرار گرفته شده است:

- ١. تفاوت ميان ساختار مطلق و معلق
- ۲. انواع شرطی ها به شکل کامل مانند بحث در مورد شرطی صفر
  - ٣. بحث كامل زمانى
  - ٤. ارایه نکات کلیدی در میان مباحث اصلی

پس، این کتاب نه برای سطح مبتدی و متوسط بلکه برای سطح پیشرفته نوشته شده است تا بدین وسیله بتوان دانش زبانی را برای ورود به تحصیلات تکمیلی و گرفتن مدارک بین المللی زبان فراهم آورد. نکته قابل ذکر این است، در برخی از کتاب هایی که برای گرامر نوشته شده است، دیده می شود که ترجمه مثال ها نیز داده می شود ولی به نظر می رسد که این کار نه تنها کمکی به یادگیری زبان نمی کند بلکه سطح علمی

کتاب را نیز پایین می آورد زیرا این کار سبب می شود که دانشجو از هدف کتاب که گرامر است غافل شده و بیشتر به واژگان بپردازد که با هدف اولیه فاصله پیدا می کند. نکته قابل ذکر دیگر این است که بخش تمرینی در این کتاب لحاظ نشده است زیرا این امر نیاز به تالیف کتاب دیگری دارد و به نظر اینجانب پسندیده تر آن است که کتاب گرامر از تمرین جدا باشد تا بدین ترتیب دانشجویان بتوانند با تمرکز بهتری به فراگیری نکات زبانی بپردازند.

در نگارش این کتاب، از کتاب ها، فرهنگ های لغت، تافل و دیگر منابع معتبر که در پایان فهرست آن ها آمده است، استفاده گردیده و بر این اساس سعی در جمع بندی نکته های گرامری و نگارشی نموده ام و همچنین با بهره گیری از اینترنت و سایت های آموزش زبان، سعی کرده ام تا مطالب جدیدتری را ارایه کنم.

در هر حال، این جانب ادعای کامل و بی عیب بودن این کتاب را نمی کنم زیرا هر نویسنده ای با هر مهارتی نمی تواند مجموعه کامل و مرجعی را بدون کاستی و نقصان فراهم آورد. بدیهی است که این ضعف به خاطر اشخاص نمی باشد بلکه نشان دهنده زایایی زبان و تغییر پذیری آن در گذر زمان می باشد. اما سعی بر این بوده است که در حد امکان کلیدی ترین نکته ها را جمع آوری کنم و در اختیار دانش پژوهشان زبان انگلیسی قرار دهم.

در پایان ذکر این نکته ضروری است که جمله هایی که در متن با ستاره (\*) مشخص شدهاند، نشان دهنده ساختار اشتباه آنهاست که نباید به کار برده شوند.

محمد جواد انصاري

قم

Y - 1 - 1 - 1 - 1

mohammadjavad57@gmail.com mjairan@yahoo.com



### بخش یک: جمله

### **Sentence**

جمله عبارتی است مرکب از واژه و فعل که گوینده برای بیان منظور و هدفی آن را به کار می برد. انواع جمله ها در زبان انگلیسی به ترتیب زیر می باشد.

الف) جمله ساده Simple Sentence

این نوع جمله شامل فاعل و خبر می باشد. به عبارت دیگر، یک جمله واره مستقل است. این نوع جمله به چهار دسته زیر تقسیم می شود:

۱) خبری

She plays tennis every week.

They are beautiful girls.

She ate her dinner in that restaurant last night.

٢) سوالي

How much money did Margaret need?

Did you read this book?

Whose car is that?

۳) امری

Please bring me some tea.

Come here.

Go over there, please.

٤) تعجبي

What delicious fruit is!

How many books this author has written!

How graceful she dances!

## (Grammar for University Students)گرامر برای دانشجویان

i نکته: جمله ساده می تواند دارای دو فاعل اصلی و یا دو فعل اصلی باشد که با and به یکدیگر مرتبط می شوند.

The brushes and paint were kept in a cabinet.

Space experts and geologists examined and analyzed the rocks of the moon.

#### ب) جمله مرکب Compound Sentence

این نوع جمله شامل دو یا چند جمله می باشد که هر یک از این قسمت ها می تواند به طور مستقل به کاربرده شود. به عبارت دیگر، هیچ یک از عبارت های جمله مرکب بر دیگری احاطه دستوری ندارد. این جمله ها با روش های گوناگون به یکدیگر متصل می شوند.

The young man needs a car for his work; he is going to buy one right away.

The new student was very shy; the teacher called on him several times anyhow.

Mrs. Smith doesn't like her uncle; she won't invite him to her wedding.

The young man needs a car for his work, so he is going to buy one right away.

The new student was very shy, but teacher called on him several times anyhow.

Mrs. Smith doesn't like her uncle, so she won't invite him to her wedding.



The young man needs a car for his work; consequently, he is going to buy one right away.

The new student was very shy; however, the teacher called on him several times anyhow.

Mrs. Smith doesn't like her uncle; therefore, she won't invite him to her wedding.

#### پیچیده Complex Sentence

جمله ای که شامل یک یا بیش از یک جمله واره وابسته می باشد. عبارت های ایـن نوع جمله ها با یکدیگر ارتباط دستوری دارند.

1) جمله واره قبدي

I can see you when I finish my work.

While I was entering the building, I saw an old friend of mine. Because she loved to draw, she decided to become a painter.

Children who are under twelve years must be accompanied by their parents.

The house which the Taylors live in is very old.

The company for which she works employs many people.

I would like to know where you were born.

I surprised how hot it was.

Her employer urged that she be more careful with her typing.

## (Grammar for University Students)گرامر برای دانشجویان

#### ت) جمله مرکب- پیچیده Compound-complex Sentence

این نوع جمله، شامل دو یا بیش از دو جمله واره مستقل به همراه چندین جمله واره وابسته می باشد.

All classes were cancelled because the weather was bad, and students were

told to listen to the radio to find out when classes would begin again.

We had eaten all of the rolls and relishes and we were no longer hurry by the

time the main dishes were served.

He graduated with Bachelor of Science Degree, when he had received career opportunities, to return for an advanced degree.



### بخش دو: اسم

### Noun

اسم واژه ای است که به در زبان انگلیسی اسم به اشخاص، اشیا، حیوانات، مفاهیم عینی و ذهنی اشاره می کند و می تواند در نقش های گوناگونی به کار رود. به نمونه های زیر دقت کنید.

The house on the corner belongs to my uncle. (فاعل

My husband sells expensive Chinese antiques. (مفعول مستقيم)

(مفعول غیر مستقیم). My uncle sold that rich couple some expensive antiques

The price of those antiques is very high. (مفعول حرف اضافه)

My aunt is the richest woman in town. (متمم فاعلى)

I consider my niece a very fortunate woman. (متمم مفعولي)

اسم می تواند به اسم های عینی (concrete) یعنی چیزهایی که دیده، شنیده، مزه و یا لمس می شوند اشاره داشته باشد و یا ایس که به ایسده ها، احساسات، کیفیت و ویژگی ها اشاره داشته باشد که در این صورت اسم های معنی (abstract) خوانده می شود مانند script که عینی است و excitement که انتزاعی می باشد. یک تقسیم بندی دیگر اسم های عام (proper noun) و اسم های خاص (noun) می باشد مانند theatre که عام است ولی Palace Theatre که خاص می باشد. از سوی دیگر، می توان آن ها را به صورت قابل شمارش (countable شمارش (nonne غیر قابل شمارش (noncountable noun) نیز تقسیم بندی کرد (که در ادامه بدان یر داخته خواهد شد).

در این بخش ابتدا به جمع بستن اسم بحث خواهد شد و سپس نحوه نشان دادن مالکیت بررسی می شود و در آخر مبحث اسم های قابل شمارش و غیر قابل شمارش معرفی خواهد شد.

## (Grammar for University Students) کرامر برای دانشجویان

#### جمع بستن اسم

برای جمع بستن اسم در زبان انگلیسی شیوه های مختلفی و جود دارد که باید آن ها را آموخت. این شیوه ها عبارتند از:

۱) افزودن S به آخر واژه

books, nurses, teachers, pencils, lamps, tables ۲) افزودن es به آخر واژه

• اسم هایی که به S, Z, X, ch, sh ختم می شوند

classes, churches, boxes, watches, dishes, buzzes, foxes, inches

• اسم هایی که به y ختم می شوند به شرطی که قبل از آن حرف بی صدا قرار گرفته باشد، در این صورت y به i تبدیل می شود در صورتی که پیش از y حرف صدادار بیاید این قانون رعایت نمی شود.

lady/ladies country/countries boundary/boundaries fly/flies melody/melodies monkey/monkys day/days

ves به f(e) به علی یک سیلابی که به f(e) ختم می شوند. در این صورت f(e) به تبدیل می شود.

scarf/ scarfs; scarves dwarf/ dwarfs; dwarves

نکته(۲): به جمع این واژه ها دقت کنید.

staffs beliefs chiefs cuffs

۳) تغییر vowel

### من دو: اسم Noun کی استان کا ا مناز میر باز میران کا استان ک

man/men foot/feet goose/geese woman/women tooth/teeth mouse/mice

٤) اسم هايي كه شكل مفرد و جمع شان يكسان مي باشد.

deer fish sheep salmon trout series

ه) تبدیل is به

analysis/analyses diagnosis/diagnoses synthesis/syntheses axis/axes crisis/crises hypothesis/hypotheses thesis/theses parenthesis/parentheses

٦) جمع بستن برخى از واژه ها بدين گونه مي باشد.

bacterium/bacteria datum/data criterion/criteria curriculum/curricula phenomenon/phenomena

i به us په i (۷

alumnus/alumni fungus/fungi stimulus/stimuli bacillus/bacilli nucleus/nuclei syllabus/syllabi cactus/cacti radius/radii

کنند:  $\sigma$  کنند: می شوند سه حالت زیر را پیدا می کنند:

• افزودن S

pianos sopranos photos zeros radios stereos

● افزودن es

Negroes heroes echoes potatoes tomatoes embargoes

• افزودنs يا es

cargos/cargoes volcanos/volcanoes mulattos/mulattoes

۹) افزودن en

child/children

ox/oxen

نکته (۳): برای جمع بستن اسم های مرکب در زبان انگلیسی، کافی است که s/es را به واژه اصلی اضافه کرد.

He gets along well with all his daughters-in-law.

#### مالكىت Possession

برای نشان دادن مالکیت در زبان انگلیسی یکی از راه ها استفاده از s' یا of می باشد. به طور معمول برای نشان دادن مالکیت در جانداران از s' و در غیر جانداران از of استفاده می شود.

Mr. Jones's house has recently sold.

The doors of the car are not clean.

نکته(۱): اگر اسم s جمع باشد برای نشان دادن مالکیت کافی است که آپاستروف به آن اضافه شود:

students' bags

اما گر S برای خود کلمه باشد می توان از آیاستروف یا S' استفاده کرد:

Johns'/Johns's house

نکته(۲): همان گونه ای که اشاره شد برای نشان دادن مالکیت در غیرجاندار از of استفاده می شود. اما می توان از s' در موقعیت هایی که برای نشان دادن زمان، حوادث طبیعی، سیاسی و گروهی باشد که با یکدیگر همکاری می کنند، استفاده کرد.

Japan's industrialization

the company's new refinery

a day's journey

the earth's atmosphere

the ship's crew

نکته (۳): برای نشان دادن مالکیت در مکان ها و سازمان ها می توان از s' یا از of



استفاده کرد:

London's street / the street of London
Italy's climate / the climate of Italy
the school's main office / the main school of school

نکته(٤): برای نشان دادن مالکیت در غیر انسان می توان از ای استفاده کرد به شرطی a bird's nest که معنای have از آن استنباط گردد. به عنوان مثال، می توان عبارت a bird has a nest را به کار برد زیرا به معنای a nest of a bird در اینجا نادرست است.

نکته(٥): به نمونه های دیگر زیر دقت شود:

the Queen's arrival / the arrival of Queen the plan's importance / the importance of the plan

نکته (٦): برای نشان دادن مالکیت چیزی که در اختیار چند نفر می باشد که به صورت مشترک مالک آن می باشد، کافی است که الا را به واژه آخر اضافه کرد:

Martha and Dan's house (خانه مارتا و دن)

اگر چند نفر به طور جداگانه مالکیت چیزی را در اختیار داشته باشند، آن گاه برای نشان دادن مالکیت آن، به هر اسم یک s' جداگانه اضافه می شود:

The Smith's and the Jones's houses are for sales.

(خانه های خانواده اسمیت و جونز به فروش گذاشته شده است.)

نکته (۷): معمولا از s' برای نشان دادن مالکیت در غیرجانداران استفاده نمی شود و تا جایی که امکان دارد به جای بهره گیری از of از ساختار اسم مرکب استفاده می گردد. به عنوان مثال the leg of the table بهتر از the leg of the table می باشد.

## (Grammar for University Students)گرامر برای دانشجویان

#### اسم قابل شمارش و اسم غیر قابل شمارش

#### Countable vs. Uncountable Nouns

اسم های قابل شمارش واژه هایی هستند که می توان آن ها را به شمارش در آورد. به عبارت دیگر، این گونه اسم ها هم شکل مفرد دارند و هم شکل جمع. صفت های کمی نامعینی وجود دارد که می توان آن ها را قبل از این گونه اسم ها قرار داد که عبارتند از:

a few, few, fewer, some, many, a lot of, lots of, a number, more Betty bought a lot of books last year.

There are five cats on the roof.

He has seen many foreign films

A large/small number of students from other countries attend State University.

John has the fewest chapters left to read of anyone in the class.

اما اسم های غیر قابل شمارش را نمی توان جمع بست؛ همیشه شکل مفرد دارند و فعل مفرد نیز با آن ها به کار می رود. اسم های انتزاعی، ذهنی، عاطفی و مانند این ها از جمله اسم های غیر قابل شمارش می باشند. برای این گونه اسم ها نیز صفت های کمی نامعینی وجود دارد که عبارتند از:

a little, little, some, a lot of, lots of, the number, much, amount, more, a great deal

There is some water in this glass.

We need a little butter.

There is a lot of evidence against him.

He didn't have much fun at the movies.

He gave me a little advice about choosing a school.

He did the least amount of work of anyone in the class.



The number of unemployed is rising steadily.

نکته: many و many معمولاً در جمله های سوالی و منفی به کار می روند و غیر معمول است که در جمله های مثبت به کار روند. اما اگر در ابتدای جمله های مثبت بیایند استفاده از آن ها اشکالی ندارد. از سوی دیگر، پس از so as و too می توان در جمله های مثبت از many و much استفاده کرد.

The meteorologist wasn't able to give much information about the hurricane.

How much of the house do you want to pain this year?

He got a lot of men friends, but she doesn't know many women.

You made too many mistake.

There was so much traffic in this region.

Much money has been spent on motorways.

Many books have been written about London.

- How much money have you got? - I've got plenty.

beauty, bravery, courage, democracy, labour, recreation, relaxation, work, heat, lightning, sunshine, thunder, goodness, honesty, justice, liberty, lick, peace, enjoyment, fun, happiness, laughter, love, kindness, advice, evidence, ignorance, information, intelligence, knowledge, news, propaganda, research, stupidity, darkness, electricity, warmth, physics, chemistry, French, English, comfort, rubbish, baggage, luggage, furniture, ability, patience, fear, bread, butter, cement, cheese, air, paper, coffee, cream, granite, gold, glass, fruit, food, cloth, salt, rice, rain, grass, ice, iron, meat, metal, ink, milk, mud, equipment, gum, chewing, chess, poetry, permission, work, travel, traffic, spaghetti, flour, dust, dirt, corn, rock, plastic, vinegar, wheat, soap, silk, wool, wood, wine, money, sugar, snow, water, soap, oil, oxygen, mud, tea, soup

#### اسم غير قابل شمارش جمع Plural Uncountable

برخی از اسم های غیر قابل شمارش به صورت جمع می باشند ولی در عین حال شکل مفرد ندارند ولی معنای مفرد دارند مانند:

clothes, regards, thanks, police, groceries

I bought the groceries.

Many thanks for your help.

نکته (۱): برخی از اسم های غیر قابل شمارش را می توان با (a(n) به کار برد در صورتی که معنای شان محدود باشد. این نوع اسم ها معمولاً به احساسات و فعالیت های ذهنی اشاره دارند.

She has always had a deep distrust of strangers.

My parents wanted me to have a good education.

نکته (۲): بعضی از اسم ها بسته به شرایط و مفهوم جمله، می توانند هم با فعل مفرد و هم با فعل جمع و اگر به و هم با فعل جمع به کار روند. اگر به گروه اشاره داشته باشند، فعل جمع و اگر به افراد گروه اشاره داشته باشند، فعل مفرد به کار می رود مانند:

bank, the BBC, chair, class, club, committee, family, firm, government, jury, ministry, school, public, party, orchestra, staff, team, people, group, generation, enemy, chorus, parliament, crew, audience, army, choir, majority

This team is/are going to lose.

The party begins/begin at 9 o'clock.

The jury is one of the safeguards of our legal system.

The jury have returned their verdict.

نکته (۳): اسم هایی وجود دارند که به S ختم می شوند ولی به یک چیز اشاره دارند. اما چون این شی از دو قسمت تشکیل یافته است، فعل جمع می گیرند.

pants, trousers, scissors, clippers, shears, binoculars, glasses,



#### tweezers

The shears which she uses to cut hair are very sharp.

These scissors are very sharp.

\*A scissors is very sharp.

باید به این نکته توجه داشت که اصطلاح pair of معمولاً با این اسم ها به کار می رود که در این صورت با فعل مفرد همراه خواهند بود.

A pair of glasses which I bought is dark.

نکته(٤): در انگلیسی بریتانیایی اسم کشورها در صورتی که برای نشان دادن مسابقه های ورزشی باشد، با فعل جمع به کار می رود.

German have beaten England.



### بخش سه: فعل

### Verb

فعل یکی از اصلی ترین اجزا در جمله می باشد و واژه ای است که بر انجام کاری دلالت دارد. فعل ها را می توان به طورکلی به فعل های اصلی و فعل های کمکی تقسیم بندی کرد. هر کدام از این تقسیم بندی ها دارای زیر مجموعه خاص خود می باشند که بدان ها اشاره خواهد شد.

#### فعل های کمکی Auxiliary Verbs

این گونه فعل ها برای کمک در ساختار زمان های گوناگون به کار می روند. فعل های کمکی به سه گروه تقسیم می شوند:

have, do, be –الف

will, would, shall, may, might, can, could, ب- فعـل هـاى مـدال must, should, ought to

dare, used to, be used to, had better, would پ – سایر فعل ها مانند rather have to, need و فعل های ربطی

I am at school every day.

Were they present?

I cannot (can't) play tennis.

They are studying English at the present time.

Shannon is a good singer.

We have read these books since 2:00.

Do you buy milk every morning?

He does not listen to the radio.

They have some money in their wallets.

James has an excellent pen.



فعل های کمکی do و have در بخش زمان ها آمده است که در اینجا فقط به این نکته اکتفا می شود که در ساختن زمان ها و سوالی و منفی کردن به کار برده می شوند. اما به دلیل اهمیت موضوع، به معرفی فعل be پرداخته می شود.

#### فعل كمكى Be

یکی از پر کاربردترین فعل ها در زبان انگلیسی فعل be می باشد که am, is و علی از پر کاربردترین فعل ها در زبان انگلیسی فعل been و was زمان کذشته و been اسم مفعول آن می باشد.

کاربردهای این فعل از قرار زیر می باشد:

١) توصيف كردن، شرح دادن و ارايه اطلاعات

My father is a doctor.

I am a teacher in this school.

They are from Italy.

He was absent yesterday.

We were in the library.

John is not (isn't) a mechanic.

They were not (weren't) invited to the party.

Is your mother a nurse?

Were they eating many apples?

۲) به عنوان فعل کمکی در زمان های استمراری و مجهول

I'm painting a picture.

It was repaired by Tom.

#### فعل هاى مدال (وجهي/ ناقص) Modal Verbs

این نوع فعل ها به تنهایی در جمله نمی آیند بلکه به همراه فعل اصلی معنا و مفهوم دیگری به جمله می بخشند. پس از فعل های مدال، فعل به صورت مصدر بدون to (کلمه-فعل) به کار می رود. این فعل ها عبارتند از:

## (Grammar for University Students) کرامر برای دانشجو یان

can, could, may, might, will, would, shall, should, ought to, must

برای سوالی کردن کافی است این فعل های مدال را در ابتدای جمله پرسشی قرار داد و برای منفی کردن not را پس از آن ها قرار داد.

#### **CAN**

۱) توانایی انجام کار در زمان حال

Bob can ski very well.

٢) احتمال زياد وقوع عمل

Don't stop your car suddenly. You can cause an accident.

۳) ارایه پیشنهاد

- My roommate is a nuisance. - You can get a single room.

٤) اجازه گرفتن

Can I see you again?

#### COULD

۱) توانایی انجام کار در گذشته

When I was ten years old, I could pass my head and rub my stomach at the same time.

You could be a good pianist if you practiced more.

٣) احتمال زياد وقوع عمل

Be careful with those matches! You could start a fire.

٤) اجازه گرفتن

Could I use your eraser?

٥) ارايه پيشنهاد



You could get your father a pen for his birthday.

٦) درخواست مودبانه

Could you please be quiet?

#### **MAY**

١) اجازه گرفتن

May I borrow your phone?

٢) احتمال ضعيف وقوع عملي

I may go home during the next week.

#### **MIGHT**

احتمال ضعيف وقوع عملي

Ginny seems quiet today. She might be worried about something.

#### **SHOULD**

۱) اجبار و الزام برای انجام کاری

Student should study hard.

۲) انتظار داشتن و استنتاج کردن

The police officer should know where the down-town area is.

۳) نصیحت کردن

You really should read more.

#### **OUGHT TO**

) استنتاج کردن

Henry ought to be here \_ he left home at six.

۲) اجبار و الزام

You ought to see a dentist.

## (Grammar for University Students)گرامر برای دانشجویان

نکته(۱): برای منفی کردن این فعل کافی است not را بعد از ought قرار داد و برای سوالی کردن جای این فعل را با فاعل عوض نمود.

They ought not (oughtn't) to let their dog run on the road.

- Ought I to write to say the fact? - Yes. I think you ought (to). نکته (۲): در ته جمله های سوالی to حذف خواهد شد.

We ought to wake Helen, oughtn't we?

البته در انگلیسی آمریکایی این روش به ندرت به کار برده می شود و در حالت سوالی و منفی از should استفاده می شود.

He ought to be here soon, shouldn't he?

#### **MUST**

۱) الزام و اجبار برای انجام کاری

You must go to school on time.

He must be a good writer because he has won so many awards.

نکته: must به نسبت should و ought to الزام و اجبار بیشتر و قوی تـری را می رساند. به عنوان مثال در جمله

The doctor said I must give up smoking.

You really ought to give up smoking.

#### **WILL**

Will they go to the country tomorrow?



۲) ارایه قول و وعده

Don't worry. I'll be at the meeting on time.

۳) تصمیم برای انجام کاری

At the meeting, we will solve our financial problems if it takes all night.

#### **WOULD**

۱) در خواست مودبانه

Would you hold my books?

۲) نشان دادن عادت های گذشته

My friend would play the stereo until 3:00 in the morning.

#### **SHALL**

١) زمان آينده براي اول شخص ها

I shall tell him the truth.

۲) ارایه پیشنهاد برای انجام کاری

Shall I put this paper on your desk?

۲) جلب موافقت کسی

Shall we leave now?

#### ساير فعل ها

فعل های دیگری در زبان انگلیسی وجود دارند که بسیار کاربردی هستند و برای تکمیل جمله به کار می روند. کاربردی ترین آن ها در ادامه آمده است.

#### **HAD BETTER**

ترجیح دادن، نصیحت کردن و تهدید کردن

You had better do your homework every day.

## (Grammar for University Students) کرامر برای دانشجویان

I'd better put the meat in the oven.

You'd better help me. If you don't, there'll be trouble.

نکته(۱): had better به آینده نزدیک اشاره دارد و از لحاظ اجبار و الزام قوی تر از should و ought

- I really ought to go to see Fred one of these days.
- Well, you'd better do it soon.

نکته (۲): با این که had better به صورت زمان گذشته است، اما به آینده نزدیک اشاره دارد.

It's late. You had better hurry up.

نکته (۳): برای منفی کردن کافی است که not را پس از had better قرار داد.

You'd better not wake me up when you come in.

به كار بردن hadn't better نيز امكان دارد اما بسيار غير معمول است.

Hadn't we better tell him the truth?

#### **HAVE TO**

اجبار والزام (ضعیف تر از must)

We have to eat in order to live.

You don't have to tell George.

Do you have to wear a tie at work?

Edna isn't in her office. She had to go home.



#### WOULD RATHER

مترادف prefer مى باشد و به معناى ترجيح دادن و انتخاب كردن به كار مى رود. I would rather (prefer) wear a fur coat than a cloth coat in the winter.

Would you rather *(prefer)* stay here or go home?

#### Need

این فعل می تواند هم به صورت فعل اصلی به کار برود و هم به صورت فعل مدال.

Need we really leave so early? (بسیار رسمی)

Do we really need to leave so early?

اگر need در این معنا به کار رود که نیازی به انجام کاری نیست می توان از need می استفاده کرد.

You needn't go home yet.

You don't need to go home yet.

اما اگر need در این معنا به کار رود که نیازی به داشتن چیزی نیست فقط از do/does not need to

We don't need a car.

needn't have برای صحبت درباره گذشته به کار می رود و همچنین درباره عملی که در گذشته انجام گرفته در حالی که نیازی بدان کار نبوده است.

You needn't have waited for me.

#### **DARE**

شهامت و جرات انجام کاری داشتن این فعل نیز دو کاربرد دارد:

## (Grammar for University Students)گرامر برای دانشجویان

He's a man who dares to say what he thinks.

She didn't dare to tell him what had happened.

٢) به عنوان فعل مدال

Dare she tell him?

I daren't say what I think.

#### **USED TO**

به عادت و تجربه ای اشاره دارد که در گذشته انجام می گرفته و در حال حاضر دیگر انجام نمی پذیرد.

I'm used to smoke, but now I've stopped.

You used not to like him, did you?

Used you to play football at school?

#### BE USED TO

به عادت و تجربه ای اشاره دارد که برای فرد تازگی نداشته و فرد از قبل با آن آشنایی داشته است. پس از این فعل اسم و یا اسم مصدر قرار می گیرد.

I'm used to driving in London now, but it was hard at the beginning.

Finally I could understand Londoners because I wasn't used to the accent.

#### فعل های ربطی Copular Verbs

یکی از انواع فعل، فعل های ربطی می باشند که پس از این فعل های معمولاً صفت به کار می رود. پس از این فعل ها مفعول مستقیم قرار نمی گیرند بلکه متمم فاعلی (subject complement) قرار می گیرد یعنی موضوع و مطلبی را به فاعل که مرجع می باشد، بر می گردانند. این فعل های ربطی عبارتند از:

appear, be, become, feel, get, grow, look, need, prove, remain,



seem, smell, taste, turn

She looks nice.

They grow restless during the lecture.

Bob became good in his job.

John is a plumber.

#### فعل های اصلی Main Verbs

فعل های اصلی فعل هایی می باشند که دارای معنی مستقلی می باشند و بیانگر انجام کاری هستند. این فعل ها یا با قاعده (regular verbs) هستند و یا بی قاعده (irregular verbs). به فعل هایی با قاعده می گویند که برای ساختن گذشته و اسم مفعول (قسمت سوم فعل) آن ها، کافی است که پسوند d/ed- را به آخرشان اضافه کرد.

practice practiced practiced work worked worked

اما به فعل هایی بی قاعده می گویند که برای ساختن گذشته و اسم مفعول (قسمت سوم فعل) نمی توان از پسوند -d-ed استفاده کرد یعنی از قاعده خاصی پیروی نمی کنند و در نتیجه آن ها را باید آموخت. برخی از این فعل ها در جدول صفحه بعد آمده است.

# (Grammar for University Students)

Base Form		
شکل پایه ای	گذشته Past	Past Participle
(Bare Infinitive)	Tast was	اسم مفعول
abide	abided / abode	abided / abode
arise	arose	arisen
awake	awoke	awoken
be	was / were	been
bear	bore	borne
become	became	become
befall	befell	befallen
begin	began	begun
bend	bent	bent
bet	bet	bet
bid	bade/bid	bid/bidden
bleed	bled	bled
buy	bought	bought
cast	cast	cast
catch	caught	caught
choose	chose	chosen
cling	clung	
_	-	clung
cost	cost	cost
cut	cut	cut
deal	dealt	dealt
dig	dug	dug
do	did	done
dream	dreamt / dreamed	dreamt / dreamed
drink	drank	drunk
dwell	dwelt / (US) dwelled	dwelt
eat	ate	eaten
feed	fed	fed
feel	felt	felt
fight	fought	fought



find	found	found
fly	flew	flown
forbid	forbade	forbidden
foresee	foresaw	foreseen
forgive	forgave	forgiven
forgo	forwent	forgone
freeze	froze	frozen
get	got	got / (US) gotten
give	gave	given
grow	grew	grown
hang	hung / hanged	hung / hanged
have	had	had
hear	heard	heard
hurt	hurt	hurt
inset	inset	inset
keep	kept	kept
know	knew	known
lay	laid	laid
lead	led	led
learn	learnt / learned	learnt / learned
leave	left	left
lend	lent	lent
let	let	let
lie	lay	lain
light	lit / lighted	lit / lighted
lose	lost	lost
make	made	made
meet	met	met
miscast	miscast	miscast
mistake	mistook	mistaken
mow	mowed	mown / mowed
offset	offset	offset

# (Grammar for University Students) ۳۲

outgrow	outgrew	outgrown
outrun	outrun	outrun
override	overrode	overridden
partake	partook	partaken
pay	paid	paid
plead	pleaded / (US) pled	pleaded / (US) pled
put	put	put
quit	quit / (BrE)quitted	quit /(BrE) quitted
read	read	read
rebuild	rebuilt	rebuilt
rend	rent	rent
resell	resold	resold
rid	rid	rid
rise	rose	risen
run	ran	run
say	said	said
see	saw	seen
set	set	set
shake	shook	shaken
shoe	shod	shod
shoot	shot	shot
shut	shut	shut
sit	sat	sat
slit	slit	slit
speak	spoke	spoken
spread	spread	sprung
stride	strode	_
sublet	sublet	sublet
swim	swam	swum
swing	swung	swung
take	took	taken
teach	taught	taught



tell	told	told
underlie	underlay	underlain
uphold	upheld	upheld
wear	wore	worn
wed	wedded / wed	wedded / wed
write	wrote	written

نکته دیگر این است فعل های اصلی یا لازم هستند یا متعدی. فعل های لازم به فعل هایی می گویند که مفعول نمی گیرند و فعل های متعدی فعل هایی هستند که مفعول می گیرند.

Sarah helped me.

به عنوان نمونه، در جمله

واژه help که فعل جمله است متعدی می باشد زیرا مفعول me را بـه همـراه دارد. They work there.

واژه work که فعل جمله است، لازم می باشد زیرا که نیاز به مفعول ندارد.

فعل های دیگری وجود دارد که بسته به متنی که درآن به کار می روند هم می توانند لازم باشند و یا هم متعدی مانند فعل hear:

I can't hear very well. (لازم)

Did you hear that party on the radio last night? (متعدى)

#### **WISH**

الف- در عبارت ها و جمله هایی که بیشتر جنبه آرزومندی دارند، به کار می رود که این نوع عبارت ها دو مفعولی می باشند.

I wish you a Merry Christmas.

Here's wishing you all the best in your new job.

ب- اگر wish به همراه مصدر به کار رود، در معنای want خواهد بود.

I wish [want] to see the manager, please.

If you wish [want] to reserve a table, please telephone after

## (Grammar for University Students)گرامر برای دانشجویان

five o'clock.

پ- هنگامی که wish به همراه that-clause به کار رود، نشان دهنده وضعیتی خواهد بود که انجام آن غیر ممکن و غیر واقعی می باشد.

۱) برای نشان دادن تمنا و آرزو در زمان حال، در این صورت that-clause به صورت گذشته خواهد بود. فعل be در این گونه جمله ها were می باشد.

Mary wishes that she lived in New York. (*But she doesn't*.) He wishes that he knew the names of all employees.

I wish I could play the cello.

Do you wish that your home were heated by solar equipment? Ralph wishes that they had \$10,000,000. (*But he doesn't*). I often wish that I were in Hawaii. (*But I'm not*).

۲) تاسف خوردن برای فرصت از دست رفته، در ایـن صـورت that-clause بـه صورت زمان گذشته کامل خواهد بود.

Displeased with leader's policies, many wish they hadn't voted for the man.

He wishes he could have avoided the accident last week.

Lee Yoo wishes he had taken a trip abroad before starting college.

Hiromi wishes that she had studied more English before arriving in the United States. (*But she didn't*.)

The children wish they had not disobeyed their mother. (*But they did.*)

نکته: wish + that-clause برای بیان وضعیتی که احتمال انجام آن در آینده می باشد به کار نمی رود.

I hope you pass your exams.

\* I wish you would pass your exams.



I hope you feel better tomorrow.

\* I wish you felt better tomorrow.

#### تطابق فاعل و فعل Subject – verb Agreement

They work for the telephone company.

Rayan has two brothers.

There is a lot of bread on the table.

In all of the classes, attendance has been excellent.

To produce fine painting requires skill and activity.

What is sons did when they finished their jobs was of no concern to him.

one, each, many a..., everyone, anyone, someone, anybody, somebody, nobody, flock, herd, man/ human race, mankind, clothing, furniture, luggage, salt, advice, whatever, whoever, pair of..., kind of..., sort of..., type of..., the number, a great deal, much, the other, another, the first/second (etc.), percentage, economics, mathematics, government

Every man, woman, and child is an important being.

Three chapters a night was required reading in Sue's class.

Each of these sweaters is black.

Nobody knows what happened to all the cake.

## Grammar for University Students)گرامر برای دانشجویان

both, several, others, people, persons, remains, kinds of..., types of..., sorts of..., surroundings, valuables, tropics, customs, auspices, banns, arms, looks, manners, means, outskirts, lodgings, entrails, goods, greens, dregs, riches, earnings, pieces of furniture

There are many kinds of bicycles in this store.

Several books were on the desk.

The riches help the poors in this region.

any, none, some, all, the rest, most, a lot, either...or, neither...nor, half, a third (etc.), ten percent, five dollars (etc.), two hours, miles (etc.), team, family, jury, fish, dear

All of the food was prepared the day before the event.

All of the meals were prepared the day before the event.

A lot of industries are interested in developing good public relation.

A lot of bread was bought yesterday.

Either sofa or the chairs have been sold.

Neither of them has/have a car.

Neither answer is correct.

نکته: در حالت غیر رسمی (informal) ساختار neither...nor با فعل جمع به کار می رود.

www. takbook. com



### بخش چهار: صفت Adjective

صفت، واژه یا عبارتی است که اسم یا اسم مصدر را توصیف می کند. نکته قابل توجه این است که صفت،مفرد است.

ترتیب صفت معمولاً به شکل زیر است (از چپ به راست خوانده شود):

جنس + مکان + وجه وصفی(هدف) + رنگ + شکل + سن، دما + اندازه + کیفیت و ویژگی + عدد اصلی + عدد ترتیبی + حرف تعریف

I visited the first two good big old square green neglected Jamaican stone plantation houses last year.

Sam owns two handsome large white Texas leather hats.

That beautiful Chinese vase is mine.

نکته(۱): اگر بخواهیم فاعل جمله را توصیف کنیم که خود به عنوان کننده کار present می باشد(حالت فاعلی) از وجه وصفی فاعلی یعنی شکل ing دار فعل (participle) استفاده می شود.

swaying trees, moving train, boiling water, sinking ship, washing machine, dining table, growing children, landing gear The cleaning woman worked on the car.

The boring teacher put the student to sleep.

نکته(۲): برای نشان دادن عملی که بر فاعل واقع شده است (حالت مفعولی) از وجه وصفی مفعولی (اسم مفعول (past participle) استفاده می شود.

baked potato, signed contract, injured hand, frozen meat, lost puppy The woman put the cleaned car back in the garage.

The bored\_student was sleeping in class.

نکته (۳): اسم نیز می تواند در نقش وصفی ظاهر شود: یعنی اسمی اسم دیگر را

توصیف کند که در این صورت حالت مضاف و مضاف الیه به وجود می آید که به آن صفت اسمی (noun adjective) نیز می گویند.

John turned in his term paper this morning.

All of us are foreign language teachers.

You are all language students.

He is an economics teacher.

نکته(٤): صفت ها نيز مي توانند در نقش اسم ظاهر شوند و کارکرد اسمي داشته باشند. اين قبيل صفت ها بيشتر درباره مفاهيم انتزاعي و طبقه بندي ها مي باشند.

You must take the rough with the smooth.

The use of the symbolic in his film is not unusual.

We must bury our dead.

The poor are poor because they have been oppressed by the rich.

نکته (۵): گاهی اسم ها می توانند بخشی از صفت های مرکب /hyphen) (hyphen) می باشند، بدین معنا که ابن واژه ها با خط تیره (hyphen) به یکدیگر وصل می شوند و مانند صفت، جمع بسته نمی شوند.

I bought a four-hundred-year-old painting in Hong Kong.

The president gave a ten-minute speech.

#### جایگاه صفت

صفت قبل از اسمی که می خواهد آن را توصیف کند قرار می گیرد و یا پس از فعل های ربطی.

There is a red car in the street.

This cat is black.

نکته: صفت هایی وجود دارند که پس از فعل های ربطی به تنهایی قرار می گیرند و پس از آن ها هیچ اسمی نمی آید که به آن ها صفت های خبری (مسندی)

### بخش چهار: صفت Adjective بخش چهار: عن شک کارنز ک

(predicate adjectives) مي گويند. نمونه هايي از اين صفت ها عبارتند از:

alike, alive, alone, afraid, asleep

The snake on the rock was alive.

Jill and Doris are alike.

We were asleep when you called.

#### صفت های حسی (ادراکی) یس از That- Clause

that- clause را می توان اغلب پس از صفت و اسم مفعولی که بیان کننده احساسات می باشد، به کار گرفت.

He is happy that his application has been accepted.

She was concerned that she might not qualify for the diving event.

نکته: تعدادی از صفت ها و اسم مفعول هایی که بیانگر احساسات می باشد در ادامه آمده است:

afraid, angry, annoyed, ashamed, concerned, depressed, disappointed, disgusted, excited, glad, happy, hopeful, pleased, positive, proud, sad, satisfied, shocked, sorry, sure, surprised, thrilled, upset, worried

#### مقایسه صفت ها Comparisons

برای مقایسه صفت ها در زبان انگلیسی سه راه وجود دارد که عبات از: صفت های برابری، برتری و برترین که در ادامه به آن ها پرداخته خواهد شد.

#### الف ) صفت برابری Positive Degree

برای نشان دادن برابری از عبارت های ... as , so ... as, similar to... ه و the same as...

as + صفت/ قيد + as ساختار كلى اين نوع مقايسه مى باشد.

He is as tall as his sister.

Mike came as quickly as he could.

She is not so beautiful as my sister.

I want to buy a pair of shoes the same as these I'm wearing.

Your car is the same as mine.

Mary is the same age as Valerie.

The work that I did is similar to the work that you did.

حالت منفی این ساختار به شکل not as...as می باشد که در این صورت جمله ها اغلب با nearly و quite همراه می شود.

Ted isn't quite as old as old as Tina.

Amy is 5. She isn't nearly as old as Jackie.

The red car is just as expensive as that green one.

This building is almost/nearly as tall as mine.

#### ب) صفت برتر Comparative Degree

این نوع مقایسه برای دو چیز به کار می رود.

• اگر صفت یک سیلابی باشد از er... than استفاده می شود. این مطلب درباره صفت های دو سیلابی که به ow, er, le, y ختم می شود نیز کاربرد دارد.

pretty/prettier dirty/dirtier yellow/yellower stable/stabler The history class is larger than the math class.

The members of the green team seemed stranger than the member of the red team.

It is better to give than to receive.

• برای صفت های دو سیلابی و بیشتر از آن از more...than استفاده می شود.

Some people are more reliable than others.

### بخش چهار: صفت Adjective پخش چهار: عند باز کارنز کارنز

This dress is more attractive than the other ones.

• می توان اعداد ترتیبی را برای نشان دادن شدت و نهایت برتری پیش از صفت half, twice, three times, four times

Fresh fruit costs twice as much as canned fruit.

We have half as many as we need.

She can walk three times further than you.

#### قیدهای برتر Comparative Adverbs

بعضی از قیدها مانند fast, hard, tight, early و soon با اضافه شدن er- به قید برتر تبدیل می شوند و معمولا با than همراه می شوند. ولی در بسیاری از موارد با اضافه شدن more این نوع ساختار حاصل می شود.

She works harder than Joan.

We speak more carefully than most people.

I walk more rapidly than him.

#### پ) صفت برترین Superlative Degree

صفت برترین برای نشان دادن برتری یک چیز در بین سه و یا بیش از آن می باشد.

• صفت هایی که یک سیلابی می باشند از the ... -est استفاده می شود و همچنین برای صفت های دو سیلابی که به y, er, el, ow ختم می شوند از این ساختار استفاده می شود.

dirty/ dirtiest noble/ noblest pretty/ prettiest yellow/yellowest Raymond has the largest stamp collection of the collections.

This fan is the noisiest the one we had before.

• صفت هایی که دو سیلابی و یا بیش از آن می باشند، the most را پیش از آن ها

به کار می برند.

The Greek philosophers may have been the most influential of all the philosophers.

Mary is the most intelligent of all the students in the class.

The most difficult job of all still remains to be done.

Susan is more beautiful than Betty, but Jane is the most beautiful.

polite, profound, sincere, severe, common, pleasant, cruel, quiet, stupid, open, dead, perfect, round, unique, wrong, left It is a perfect painting.

البته باید به این نکته توجه داشت که می توان در زبان تمثیل ، واژه های بالا را به صورت برتر یا برترین نوشت.

deader than a doornail
more dead than alive
you could not be more wrong
the rounder the better

نکته(۲): برخی از صفت ها وجود دارند که شکل برتر یا برترین آن ها از قاعده و قانون خاصی پیروی نمی کنند یعنی بی قاعده می باشند که این نوع صفت ها در جدول زیر آمده است.

برابری	برتر	برترین
good	better	best
well	better	best
bad	worse	worst

	S. TE	Adjective بخش چهار: صفت
far	farther	farthest
far	further	furthest
little	less	least
much	more	most
many	more	most
old	older	oldest
oiu	elder	eldest

This is the worst storm of the year.

My school is farther than your school.

Do you think it has the best lens?

We have the least time to speak.

This book is good, but that one is better.

This soup is bad, but that soup is worse.

نکته(۱): صفت تطبیقی شامل دو قسمت موازی (parallel) می باشد که با حرف تعریف the آغاز می شود. ترتیب واژگان در هر دو سوی این ساختار به شکل زیر است:

The harder he tried, the further he felt behind.

The more dangerous it is, the more I like it.

The older I get, the happier I am.

The greater the experience, the higher the salary.

با این که مثال آخر، فعلی ندارد ولی با این حال درست می باشد.

نکته(۲): best را می توان گاهی اوقات به عنوان یک قید به همراه اسم مفعول به کار برد:

The composer George Bizet is best remembered for his opera "Carman".

همچنین این واژه می تواند گاهی اوقات در معنای ارجح تر و پسندیده تر به کار می رود. It is best not to dwell on past mistake.

نکته (۳): برخی ازصفت های دو سیلابی وجود دارد که برای ساختن صفت برتـر و برترین آن ها می توان از دو حالت er/ more و et/most استفاده کرد مانند: gentle, friendly, clever.

Her behaviour is friendlier/ friendlier than his. He's the gentlest/ most gentle person in their family. www.takbook.com



### بخش پنج: قید

### Adverb

قید واژه یا عبارتی است که حالت، مکان، زمان جهت، ارتباط، کیفیت، کمیت و تکرار را نشان می دهد. قید درباره فعل، صفت و یا قید دیگری توضیح می دهد. انواع قیدها در مثال های زیر آمده است:

She dances very gracefully. (قيد حالت)

Outside, it was bitterly cold. (قيد مكان)

They were recently married. (قید زمان)

The motor you sent is defective; we are therefore returning it to you. (قید ربطی)

He often goes to the library. (قید تکرار)

Two cars collided in that intersection; fortunately, no one was hurt. (قید جمله)

Rapidly recovering from his illness, Reuvan was able to do a little work.

Loved by all who knew him, the coach was deeply missed.

چند مثال دیگر:

He had an accident recently and his behaviour changed.

He spoke intelligently.

He grew an especially tall tree.

It was a cleverly planned operation.

She could dance very quickly.

قیدها را می توان به انواع زیر تقسیم بندی کرد:

الف- واژه هایی که ذاتا قید می باشند و از واژه دیگر اشتقاق نیافته اند.

there, here, often, now, soon, then, very

ب- قیدهایی که از واژه های دیگر اشتقاق یافته اند: تبدیل صفت به قید حالت با اضافه کردن یسوند ly:

happy : happily slow : slowly easy : easily روش شناخت قید

قیدها را می توان از راه های گوناگونی در جمله شناخت:

الف- بعضى از قید ها دارای پسوند 1y- مى باشند که با اضافه کردن آن بـ ه صـفت ساخته مى شود.

carefully, easily, carelessly, badly, beautifully He works slowly. (قيد حالت)

She appears to be an extremely rapid typist. (قیدی که صفت را توصیف می کند )

She types extremely rapidly. (قیدی که قید دیگر را توصیف می کند)

She is truly beautifully dressed woman.

نکته: باید توجه داشت که هر واژه ای که به ly- ختم شود، الزاما قید نمی باشد، بلکه می تواند مانند واژه های زیر، صفت باشد.

costly, likely, friendly, quarterly, daily, weekly, monthly, yearly, lovely, northerly, easterly, southerly, westerly, nightly, early, kindly, lonely, manly, hourly

The manager turned in his weekly report.

The quarterly reports need to be turned in at the next weekly meeting.

# بخش پنج: قيد Adverb

The likely outcome of the purchase of the costly car is that he will not be able to pay his monthly bills.

ب- گونه دیگری از قید ها وجود دارند که از نظر نوشتار و تلفظ با صفت خود، یکسان می باشند. برای تشخیص این که آیا نقش وصفی دارند یا نقش قیدی، باید به جمله ای که در آن به کار رفته اند، دقت کرد.

fast, early, hard, late, high, enough, loud (loudly), little, daily, only, deathly, leisurely, long far

She is a fast runner. (صفت)

She runs fast. (قىد)

There was enough food for everyone. (صفت)

Everyone had enough. (قید)

She's an only child.(صفت)

I've only got \$10 . (قيد)

He bought a little house. (صفت)

Little do your care. (قید)

پ- نوع دیگری از قید وجود دارد که بی قاعده می باشد: قید واژه good که صفت است، واژه well می باشد.

Kim is a good student. He speaks English well.

ت) قیدهایی وجود دارند که اگر در ابتدای جمله قرار بگیرند، باعث می شود جمله شکل سوالی بگیرد و این نوع قیدها معنای منفی دارند. این قیدها عبارتند از:

only, rarely, scarcely, no, not, neither, nor, seldom, barely, hardly, not sooner...than, not often, not once, not until, nowhere, not only...but also, not only...as well, only by, only in this way, on no account, only then, scarcely...when, under no

#### circumstances

The secretary is not attending the meeting, nor is her boss.

Their house is neither big nor small.

Hardly ever does he take time off.

Seldom did they have enough to eat.

Not only does Max work at the post office, but he also works at the grocery store.

نکته(۱): یکی دیگر از حالت هایی که باعث جابجا شدن فعل و فاعل می شود، قرار گرفتن قید مکان در ابتدای جمله است. این نکته را باید به خاطر سپرد که این حالت وقتی روی می دهد که قید مکان و عبارت مکانی برای تکمیل جمله ضروری باشد، در غیر این صورت مانند جمله (d) جابجایی صورت نخواهد پذیرفت.

- a) There stood the tallest man he had never seen.
- b) In the closet are the clothes that you want.
- c) In the forest are many exotic birds.
- d) In the forest I walked for many hours.

If I had taken more time, the results would have been better.

Had I taken more time, the results would have been better.

If you should arrive before 6:00, just give me a call.

Should you arrive before 6:00, just give me a call.

My sister spends more hours in the office than John.

My sister spends more hours in the office than John does.

My sister spends more hours in the office than does John.

# بخش پنج: قید Adverb

نکته(٤): هنگامی که such و so در ابتدای جمله به کار روند، جای فعل و فاعل نیز عوض می شود.

So extensive was damage that the house had to be completely rebuilt. Such a powerful man was he that no one dared to oppose him.

نکته (۵): قید می تواند در قسمت های مختلف جمله قرار بگیرد ولی نمی تواند بین فعل و مفعول بیاید یعنی جمله

\*He has taken recently an English course.

نادرست است و باید به ترتیب های زیر نوشته شود:

Recently he has taken an English course.

He has recently taken an English course.

He has taken an English course recently.

#### قید های تکرار Frequency Adverbs

قیدهای تکرار واژه هایی هستند که تکرار انجام عملی را می رسانند. این قیدها عبار تند از:

always, usually, sometimes, often, frequently, generally, occasionally, seldom, rarely, never

Many of the club members are seldom at the meeting.

A shrewd politician generally understands psychological distinctions.

I often fell in love when I was younger.

I'm always losing my keys.

I have never understood her.

اما در حالتی که جمله منفی باشد، ترتیبی که ذکر شد، رعایت نخواهد شد. در این حالت، قیدهای تکرار قبل از فعل منفی شده قرار می گیرند به جز always.

The history lectures in this class sometimes aren't interesting. They generally don't retire before midnight.

He doesn't always leave before six o'clock.

نکته: قیدهای تکرار را نباید با قیدهای مقدار اشتباه گرفت. قیدهای مقدار عبارتند از: barely و scarcely. قیدهای تکرار پاسخی به این سوال است: «چه مقدار؟ چقدر؟» در حالی که قیدهای مقدار پاسخی به این سوال است: «چه مقدار؟ چقدر؟»

Because of his hearing loss, he scarcely hears me when I speak. The poor man is hardly able to work.



### بخش شش: ضميرها

#### **Pronouns**

ضمیرها در زبان انگلیسی انواع مختلفی را دارند با کاربردهای خاص خود. با به کارگیری ضمیرها می توان از تکرار بی مورد و فراوان واژه ها پرهیز کرد و در نتیجه به رسایی و شیوایی متن افزود. در این بخش به معرفی انواع ضمیرها پرداخته خواهد شد و هر دسته به طور جداگانه مورد بررسی قرار خواهد گرفت. اما همه ضمیرها در یک نکته با هم مشترک هستند و آن این است که ضمیرها باید با مرجع خود از نظر تعداد و جنسیت تطابق داشته باشند.

Kathy and Ann played their violins for us last evening. Many a boy and girl has bruised his or her knee riding on a skateboard..

One of the girls has forgotten to take her sweater home.

نکته قابل توجه این است که بهتر بود صفت های ملکی در بخش صفت آورده شود اما به دلیل مشابهت و ارتباط آن با ضمیرها، در این بخش توضیح داده شده است.

ضمير هاى فاعلى Subject Pronouns

I	we
you	you
he	
she	they
it	

به جای فاعل به کار می روند.

I see her in the restaurant every night.

He is my best friend in this school.

نکته(۱): ضمیری که پس از be می آید باید به شکل فاعلی (It was he.) باشد

نه مفعولي (.It was him). هر چند، حالت مفعولي در محاوره ها به کار مي رود.

نکته(۲): than حرف ربطی است که تنها با ضمیرهای فاعلی به کار می رود. معمولا علی که پس از آن ها می آید حذف می شود.

البته در حالت غیر رسمی می توان به جای ضمیر فاعلی از ضمیر مفعولی استفاده Your cat is older than him.

#### ضميرهاي مفعولي Object Pronouns

me	us
you	you
him	
her	them
it	

این ضمیرها در نقش مفعول به کار می روند و بعد از حرف اضافه یا فعل متعدی قرار می گیرند.

Helen saw him this morning, while she was riding the bicycle. We went with them to the lab.

It's a secret between you and me.

#### ضميرهاي ملكي Possessive Pronouns

mine	ours
yours	yours
his	
hers	theirs
its	

ضمیر ملکی برای بیان مالکیت به کار می رود. با این تفاوت که پس از ضمیر ملکی

خش شش: ضمیر ها Pronouns

هیچ اسمی قرار نمی گیرد ( درحالی که در صفت های ملکی اسم باید بیاید).

- Is this your new bicycle? - Yes, it's mine.

Our children were very friendly with theirs.

These glasses appear to be yours.

Learning to ski has always been an ambition of his.

کاربرد این ضمیرها در موارد زیر می باشد:

الف- به جای صفت ملکی + اسم

this is her car = this car is hers

ب- پس از حرف اضافه of که بیانگر یکی از چندین می باشد.

Jamie is a colleague of mine. (one of several colleagues)

پ- پس از فعل be

This essay is mine.

ت- به جای « صفت ملکی + اسم»، زمانی که جمله دو مفعول داشته باشد.

His grades are better than hers. (=her grades)

#### صفت های ملکی Possessive Adjectives

my	our
your	your
his	
her	their
its	

یکی از روش های بیان مالکیت در زبان انگلیسی، استفاده از صفت های ملکی می باشد. هر ضمیر فاعلی یک صفت ملکی مخصوص به خود را دارد. پس از ایس صفت ها اسم قرار می گیرد.

She goes to down-town with her new car.

Martha and I sold our cars two weeks ago.

نکته: ضمیر OWn که ملکیت را می رساند، می تواند با همه صفت های ملکی بیاید ولی با ضمیرهای ملکی همراه نمی شود. اگر معنا مشخص باشد می توان پس از این ضمیر، اسم قرار نداد.

She likes to have things her own way.

Few of them got back to their own country.

It was my own idea.

- Would you like to use my pen?
- No, thanks. I can only write with my own.

#### ضميرهاي انعكاسي Reflexive Pronouns

ourselves
yourselves
themselves

این ضمیرها برای دو هدف درجمله به کار می روند: تاکید و انعکاس.

الف - اگر این ضمیرها نقش فاعلی بگیرند، تاکیدی هستند.

I looked myself for the missing document.

You told me yourself.

I myself saw them.

Joan bought the shirt herself.

She served herself in the cafeteria.

Joan bought the shirt for herself.



#### ضميرهاى اشاره Demonstrative Pronouns

this	these
that	those

این ضمیرها برای اشاره کردن به کار می روند:

this و these برای اشاره به نزدیک به ترتیب مفرد و جمع that و those برای اشاره به دور به ترتیب مفرد و جمع.

This pencil needs to be sharpened.

Those are beautiful earrings that you are wearing.

Betty does not like this kind of class.

What do you think of these kind of chairs.

نکته: ضمیرهای موصولی در بخش جمله واره های وصفی توضیح داده خواهد شد.

ضمیر فاعلی	ضمیر م <i>فعولی</i>	ضمیر تاکیدی//نعکاسی	ضمیر ملکی	صفت ملکی
I	me	myself	mine	my
you	you	yourself	yours	your
he	him	himself	his	his
she	her	herself	hers	her
it	it	itself	its	its
we	us	ourselves	ours	our
you	you	yourselves	yours	your
they	them	themselves	theirs	their

### بخش هفت: زمان ها

### **Tenses**

مبحث زمان ها یکی از مهم ترین و کاربردی ترین مباحث در زبان انگلیسی پرداخته می باشد. در این قسمت به بررسی همه زمان های موجود در زبان انگلیسی پرداخته شده است و نکته های لازم آن در قالب توضیحات و مثال آمده است.

#### A زمان حال ساده Simple Present Tense

کاربرد زمان حال ساده:

۱) اظهارات و جمله های پایه ای

His father owns coffee plantation.

My sisters live in London.

۲) اظهارات رسمی و فعالیت های عادی

I drink three cups of tea.

They listen to the radio in the morning.

The sun rises in the east.

۳) بیان حقیقتی کلی و معلوم

My flight leaves at 10:00.

٤) زمان بندی برای انجام کاری در آینده

نکته: این مورد بیشتر درباره زمان ورود و خروج، آوردن و بردن به کار می رود.

The coffee cart arrives in ten minutes.

۵) بیان کارهای غیر فیزیکی

My landlady makes excellent coffee.

الف- ايده و نظر

The coffee tastes bitter.

ب- ادراک های حسی

I hate him.

پ - احساسات



The cup belongs to the secretary.

ت – مالكىت ھا

نکته(۱): اگر فاعل جمله زمان حال ساده سوم شخص مفرد باشد به آخر فعل پسوند s/es اضافه می شود.

She practices English every day.

Tom watches television.

نکته (۲): فعل کمکی این زمان do و does می باشد که هریک با ضمیر خاصی به کار می روند که در جدول زیر آمده است. در هنگام سوالی و منفی کردن پسوند s/es حذف می گردد.

do	I	you	we	they
does	he	she	it	

He does not (doesn't) go to the library.

Mary and Rose do not (don't) play tennis every Sunday.

Do you go to cinema on Mondays?

Does Mark read that book every night?

every day, every Wednesday, every week, every year, on Sundays

#### Present Continuous Tense زمان حال استمراری (B

I usually have a salad for lunch, but I am having a sandwich now. Andrew is watching TV right now.

۲) نشان دادن یک سری از کارهایی که در مدت زمان معینی در حال انجام گرفتن است. لازم نیست که انجام این فعالیت ها در هنگام صحبت باشد.

This quarter, my roommate is working in the cafeteria.

My sisters are living in Washington.

Sue's condition is improving.

I'm inviting Emma to the party on Friday.

at the present time, this week, now, this month, for the time being, temporarily, currently, today, this period, right now

know, understand, believe, remember, think, love, hate, like, prefer, appreciate, need, want see, notice, recognize, perceive, seem, appear (seem), look like, resemble, hear, smell, taste own, have, possess, belong, owe

چند مثال دیگر:

I am not studying German now.

Tom's not taking a course in chemistry this semester.

Are you doing your homework at the present time?

Is Joan swimming in the river?

#### C ومان حال كامل Present Perfect Tense زمان حال كامل

have/ has+ past participle (p.p.)

۱) برای بیان عملی که در گذشته انجام گرفته و تا زمان حال ادامه دارد.

She has lived in New York for many years. (She is still there.)

### بخش هفت: زمان ها Tenses بخش هفت: زمان ها کارگری کارگری کارگری کارگری کارگری کارگری کارگری کارگری کارگری کارگری

I have already mailed the package.

He's been here since Monday.

You've known me for three years.

They have never climbed the mountain.

I'm sorry. I have forgotten your name.

I have gone there several times.

We have flown across the Pacific four times.

I've failed my driver's test twice.

She has just gone to sleep.

since, for, up to the present, until now, so far, for the past hour, for the past few days, in a long time, for a short time, in quite awhile, all day, all week, lately

They have lived in San Francisco since 2000.

You've moved there for five years.

My niece Barbara has not (hasn't) bought a new car.

I believed that they have not (haven't) finally reached a decision.

Have they visited New York?

Has Thomas seen the Rocky Mountains?

#### Present Perfect Continuous Tense زمان حال کامل استمراری (D

have/has +been + verb +ing

این زمان برای تاکید به کار می رود. کاربر دهای آن عبارت است از:

١) عملي كه از گذشته آغاز شده و تا حال حاضر ادامه داشته است.

Laura and Joan have been studying for two hours.

The finance committee has been working on its budget for nearly a month.

Have you been raking the lawn? There's a grass all over your pant legs.

Simon has been smoking since he was thirteen.

I've been thinking about going to college next year.

#### E زمان گذشته ساده Simple Past Tense) زمان

Our friends were late for the concert last night.

The earliest immigrants came to America for religious freedom.

Dad worked in advertising for ten years.

We jogged every morning before class.



چند مثال دیگر:

She didn't go out last night because she had a headache.

They were not in the library this morning.

Did John talk to Bill twice last week?

Was he absent yesterday?

They didn't speak French.

Did they listen to the radio at all?

#### Past Continuous Tense زمان گذشته استمراری (F

۱) این ساختار برای بیان فعالیت هایی به کار می رود که در گذشته در مدت زمانی استمرار داشته و پایان پذیرفته است.

As people were beginning to leave their seats, the violinist announced an encore.

She was looking very ill.

I was meeting lots of people.

I was sewing when the telephone range.

Nancy was leaving for Chicago but had to make last-minute connection.

نکته: زمان گذشته برای بیان عملی است که در گذشته در مقطعی آغاز شده و پایان

پذیرفته است. اما زمان گذشته استمراری برای بیان عملی به کار می رود که در گذشته در مدت زمان طولانی تری انجام گرفته است و گوینده می خواهد بر آن تاکید ورزد.

Girard thought that his friend Luis was being reckless when he didn't stop for a traffic red light.

She was not (wasn't) reading a newspaper in the evening. They were not (weren't) looking at the books.

Was he using the eraser?

Were you moving the chair?

#### Past Perfect Tense زمان گذشته کامل (G

۱) بیان عملی که در زمان گذشته پیش از هر عمل دیگری روی داده است.

Vincent suddenly realized that he had seen the film.

I had hoped to know about the job before now.

The ship couldn't leave because the dock workers hadn't yet loaded the cargo.

Since he hadn't brought the proper lens for her camera, she wasn't able to photograph the unusual scene.

Had he completed his studies when he went to France? She had lived in Los Angeles for ten years when she moved to Santiago.



نکته: زمان های حال کامل،گذشته ساده و گذشته کامل با کمک قید زمان درجدول زیر مقایسه شده است.

قید زمان						
حال كامل گذشته ساده گذشته كامل						
by (1986)	(two years) ago last (year) in (2007)	since (2005) lately				

She got a job two years ago.

She has worked very hard lately.

She had bought it by 2000.

#### H زمان گذشته کامل استمراری Past Perfect Continuous Tense

۱) این زمان برای تاکید عملی به کار می رود که پیش از هر عمل دیگری در گذشته انجام پذیرفته است.

They had been playing tennis before the storm broke.

Miss Yeager had been working in the institute for three years when she declared herself a candidate for political office.

I had been expecting his change in attitude.

His eyes hurt because he had been reading for eight hours.

#### I) زمان آینده Tuture Tense) زمان

زمان آینده برای بیان عملی است که در آینده صورت خواهد پذیرفت. این زمان را می توان از راه های زیر شناخت:

#### الف- مصدر بدون will + to

I'll call you after lunch.

You will pass the test. Don't worry.

They won't come here if you come.

Will the Teppermans celebrate their fiftieth anniversary in October?

#### ے- be + going to

Jim is going to bring his sister tonight.

Tom and Sam are going to play tennis after school.

You're going to pass the test. Don't worry.

I don't feel well. I'm going to faint.

نکته (۱): تفاوت will و be going to در این است که will تاکید بیشتری را به نسبت be going to می رساند.

We shall interview with the President next Thursday. I shall need the money on 15<sup>th</sup>.



Shall I come with you? Shall we use your car?

#### J زمان آینده استمراری J بنده استمراری

برای بیان عملی به کار می رود که در آینده در زمان مشخص و معینی در حال انجام خواهد بود.

When Mr. Lin returns from his meeting, his wife will be sleeping. I'll be wearing my black evening dress to the dinner.

#### K زمان آینده کامل Future Perfect Tense) زمان آینده

برای بیان عملی که در آینده قبل از موعد معین انجام خواهد گرفت.

By the time you arrive, Sidney and Perle will have left. By next July, my parents will have been married to fifty years.

#### L زمان آینده کامل استمراری L L درمان آینده کامل استمراری

برای تاکید عملی به کار می رود که در آینده قبل از موعد مشخص و معینی انجام خواهد پذیرفت.

The next time I see her, she will have been living in her new apartment.

By May, my father will have been working at the same job for thirty years.

نکته: در این قسمت به معرفی زمان هایی پرداخته می شود که با کمک فعل های مدال ساخته می شود که یکی از کاربردهای شان، جمله های شرطی است. زمان های آینده در گذشته و آینده در گذشته استمراری بر حال و آینده دلالت دارند در حالی که

زمان های آینده در گذشته کامل و آینده در گذشته استمراری بر گذشته اشاره می کنند.

#### M زمان آینده در گذشته M

modal + infinitive without to

We would

play ping-pong at school.

You could take your make-up test now.

N زمان آینده در گذشته استمراری N کنشته استمراری

$$modal + be + verb + ing$$

They could be teaching French.

They would be leaving for home tomorrow.

O) زمان آینده در گذشته کامل Tuture in the Past Perfect) (O

I should have worked there.

They must have taken their test yesterday.

P زمان آینده در گذشته کامل استمراری Pruture in the Past Perfect Continuous)

$$modal + have + been + verb + ing$$

They must have been solving their problems by themselves.

Bob could have been getting ready to go home last night.

Susan could have gotten an A in grammar last quarter, but she didn't like the instructor.

نکته (۲): برای نشان دادن احتمال ضعیف انجام کاری در گذشته از ساختار زیر یعنی may/might have p.p.

www. takbook. com

# بخش هفت: زمان ها Tenses

He may/ might have passed the exam two days ago. (But I doubt it.) نکته (۳): برای نشان دادن این موضوع که انتظار انجام کاری در گذشته می رفته است ولی بنا به دلایلی انجام نگرفته است و یا این که انتظار عدم انجام کاری بوده است ولی آن کار انجام پذیرفته است از .should have p.p استفاده می شود.

You shouldn't have voted in election. (But you did.) She should have come here. (But she didn't.)



### بخش هشت: مجهول

### **Passive Voice**

هدف از به کارگیری فعل های مجهول این است که انجام کار اهمیت دارد، نه کننده کار و یا این که کننده کار مشخص نیست. اگر انجام فعلی به فاعل نسبت داده شود از ساختار معلوم (active voice) استفاده می شود. اما اگر انجام فعل به مفعول نسبت داده شود از ساختار مجهول (passive voice) استفاده می شود. کاربرد عمده ساختارهای مجهول بیشتر در متون علمی و دانشگاهی می باشد.

ساختار کلی برای مجهول عبارت است از:

be + past participle (p.p.)

• مجهول زمان حال ساده

Miss Nadell is driven to work by her friend each day.

• مجهول زمان حال استمراري

We can't cool the room because the air-conditioner is being repaired.

• مجهول زمان حال كامل

Pilot layoffs have been caused by the substantial reduction of flights.

• مجهول زمان گذشته ساده

Last week some land near the lake was surveyed as a possible site for a bird sanctuary.

• مجهول زمان گذشته استمراري

The new drapes were being hung when the visitors showed up.

• مجهول زمان گذشته كامل

The outcome of the election was announced before all of the

# 

votes had been counted.

• مجهول زمان آينده

Many believe that one day the earth will be destroyed if people do not learn to live in peace.

● مجهول BE GOING TO

I think Helen is going to be appointed Chair of the Commission.

• مجهول زمان آينده كامل

The letter that Mrs. Rabin has sent will have been received by the time she boards the plane.

• مجهول فعل هاى مدال

The furniture should be cleaned.

نکته: خلاصه مجهول ها را می توان به شکل زیر طبقه بندی کرد:

am/is/are + p.p. :مجهول زمان حال ساده) (۱

۷) مجهول زمان گذشته ساده: was/were + p.p.

modal + be + p.p. ) مجهول ساختارهای دارای فعل مدال: (۳

٤) مجهول زمان های کامل: . have/ has/ had + been + p.p

be + being + p.p. (٥) مجهول زمان هاى استمرارى

be going to + be + p.p. :be going to + 0.

چند مثال دیگر:

The large house has been built by the Browns.

She was being interviewed for the job.

You would have been told.

My idea will be presented at the conference tonight.

I am surprised by your impolite tone.

He was forced to steal the money out of his dad's room.

The window pane has been broken by the dog.

How is the word written?

Your neighbour shoudn't be spoken.

You will have to be examined again.

The key must have been left behind.

Preparations had been finished by the time the guest arrived.

The food is going to be prepared by mum.

subject (فاعل) + verb (فعل ) + object (مفعول)	معلوم
grammatical subject (فاعل گرامری) + be + p.p. + by	مجهول
+ logical subject (فاعل منطقی)	

#### مجهول سببي Causative Passive

هر گاه کاری بر فاعل انجام می گیرد جمله مجهول می شود:

I've been sacked.

اما اگر کار بر روی مفعول انجام گیرد جمله ساختار مجهول سببی را می گیرد: He got me sacked.

به عبارت دیگر، فعل مجهول سببی بر این معنی دلالت دارد که کننده آن سبب می شود که شخص دیگری فعلی را به انجام برساند و یا اثر آن را بپذیرد. هدف از استفاده از این ساختار این است که نشان داده شود که فردی سبب می شود تافرد دیگری کاری را انجام دهد و یا این که به تجارب نامطلوب اشاره دارد:

She goes to hospital and has her blood pressure taken.

# بخش هشت: مجهول Passive Voice

He got his leg broken playing football.

ساختار فعلی در این نوع مجهول به شکل اسم مفعول (قسمت سوم فعل) می باشد. در این حالت از have و get استفاده می شود. بدین وسیله نشان داده می شود که فاعل از شخصی خواسته است تا کاری را بر روی مفعول انجام دهد ولی از کننده کار نامی برده نمی شود ولی اگر از فاعل نام برده شود از حرف اضافه by استفاده می شود.

The dean will have the welcoming speech given by a student.

Corky got his composition finished by eight o'clock.

If you don't want to have an accident, you had better have your brakes fixed.

My English teacher had the computer typed them.

البته می توان از let و make نیز در این ساختار استفاده کرد. در این حالت کننـده کار ذکر می شود و فعل پس از فاعل به صورت مصدر بدون to می آید.

I am letting this machine cool.

I made him take his medicine.

The teacher helped the student memorize the lesson.

نوع دیگر مجهول سببی این است که می توان کننده کار را ذکر کرد و از فعل های get, ask ,want استفاده کرد. در این صورت فعل پس از کننده کار به صورت مصدر می آید.

John asked them to write letters to their friends.

# بخش نه: نقل قول غیر مستقیم Indirect Speech

نقل قول مستقیم (direct speech) برای بیان بی واسطه نظرات و تفکرات به کار برده می رود و دقیقا واژه ها و عبارات گوینده ای که از آن نقل قول می گردد، به کار برده می شود. هدف عمده از نقل قول مستقیم این است که گاهی به کارگیری عبارات اصلی فرد گوینده اهمیت بسزایی دارد. ولی در نقل قول غیر مستقیم به بیان آنچه که شخص دیگری گفته یا می اندیشد پرداخته می شود و دقیقا کلمه های فرد گوینده به کار برده نمی شود و تغییراتی در واژه ی بیان شده است، ایجاد می گردد. در این گونه جمله ها از فعل های گزارشی (reporting verbs) استفاده می شود و پس از آن ها جمله واره اسمی (noun clause) به کار می رود. رایج ترین فعل های گزارشی عبارتند از:

say, tell, ask, explain, state, mention, remark, declare, inform, report, announce, respond, reply, promise, indicate, point out, admit, worry, complain, confess, remind, notify, think, notice, know, believe, wonder, demonstrate, recall, show, realize

در نقل قول غیر مستقیم از گیومه خبری نیست و زمان جمله واره اسمی (نقل قول غیر مستقیم) با جمله واره اصلی باید مطابقت داشته باشد.

- "Erwin swims every day."
   Edwin remarked that he swam every day.
- 2. "Sarkis is working on his research paper."

  Sarkis informed us that he was working on his research paper.
- "Jill Markham has received a scholarship."
   Mrs. Markham wanted us to know that Jill had received a scholarship.
- 4. "Bea has been practicing the flute since noon."

  Mark replied that Bea had been practicing the flute since noon.

# بخش نه: نقل قول غير مستقيم Indirect Speech

- 5. "Janet visited her friend Lynn last month."

  Janet declared that she had visited her friend Lynn last month.
- 6. "The men were fishing when their boat capsized."

  She observed that the men had been fishing when their boat capsized.
- 7. "She's going to leave at 8:00 p.m."

  He reminded them that she was going to leave at 8:00 p.m.
- 8. "He can speak to you tomorrow."

  Your counsellor stated that he could speak to you tomorrow.
- 9. "An expert has to assess the value."

  The young woman explained that an expert had to assess the value.
- 10. The sergeant commanded, "Fire!"

  The sergeant commanded the soldiers to fire.
- 11. My friend said, "Please call me tonight."
  My friend asked me to call her tonight.
- 12. "Are you going to the party, Hideaki?" she asked. She wondered if Hideaki was going to the party.
- 13. "Have you filled in the application?"

  The clerk asked her whether she had filled in the application.

  The clerk asked her whether or not she had filled in the application.

  The clerk asked her whether she had filled in the application or not.
- 14. "Where did Joe store the containers?"

  He told her where Joe had stored the containers.
- 15. "How is he?"

Mrs. Bates wanted to know how he was.

نکته(۱): درنقل قول جمله های سوالی باید به این نکته توجه شود که اگر جمله با فعل کمکی سوالی شود از whether/if استفاده می شود. اما اگر جمله با یکی از واژه های پرسشی سوالی شود، همان واژه پرسشی در جمله به کار می رود (به

## (Grammar for University Students)گرامر برای دانشجویان

مثال های ۱۲ تا ۱۵ دقت شود).

نکته(۲): پیش از مصدر فقط از whether استفاده می شود. استعمال if نادرست می باشد. همچنین بعد از حرف اضافه نیز از whether استفاده می شود.

I am not sure whether to buy the car or not.

It depends on whether the letter arrives in time.

نکته (۳): در ابتدای جمله ای که نقش فاعلی جمله بزرگتر را دارد از whether استفاده می شود.

Whether they win or lose doesn't really matter, as long as they enjoy the game.

نکته(٤): whether or not ترکیبی درست است در حالی که if or not ترکیبی نادرست است.

I'll be happy whether or not I get the job.

I'll be happy if I get the job.

### بخش ده: جمله های شرطی

### **Conditional Sentences**

جمله شرطی به عمل و رویدادی اشاره دارد که انجام آن به شرایطی بستگی دارد و یا این که فرصت انجام کار از دست رفته است. به عبارت دیگر، ممکن است که آن عمل به وقوع بپیوندد یا نپیوندد. این گونه جمله ها به چهار گروه شرطی صفر [zero conditional] ، شرطی اوتعی [present real] ، شرطی نوع دوم (حال غیر واقعی) [present unreal] و شرطی نوع سوم (گذشته غیر واقعی) [past unreal] تقسیم بندی می شوند. که در شرطی نوع صفر قطعیت وجود دارد، در شرطی نوع اول، احتمال به وقوع پیوستن عمل بسیار بالاست، در شرطی نوع دوم، احتمال عمل بسیار اندک و عملا خیالی و ذهنی است و این در حالی است که در شرطی نوع سوم احتمال انجام عمل کاملا منتفی است.

#### شرطی نوع صفر Zero Conditional Sentence

این نوع جمله ها بیانگر قطعیت و اطمینان است نه احتمال. این نوع شرطی درباره بیان مطالبی به کار می رود که همیشه درست است چه در زمان حال و چه در زمان گذشته.

Most cats purr if you tickle them under the chin.

If you mix blue and red, you get purple. (زمان حال)

If I asked her to come with us, she always said no. (زمان گذشته)

I don't sleep well if I drank coffee at night.

در جمله های شرطی صفر، when را می توان جایگزین if کرد و به جای آن به کار برد.

You fall if/when you jump.

If/When I don't wear my glasses, I can't see.



### شرطى نوع اول (حال واقعى) Future/Real Conditional

به وضعیتی اشاره دارد که در آینده می تواند عملی انجام بگیرد یا نگیرد. ساختار کلی این شرطی به شکل زیر است:

جمله شرط	پاسخ شرط
زمان حال ساده، حال استمراری و حال کامل و حال کامل استمراریif	زمان آینده و فعل های مدال در زمان حال

If John studies, he will pass the test.

If John is studying, he can pass the test.

If John has studied, he should pass the test.

If John has been studying, he may pass the test.

John ought to pass the test if he can study.

If you go on talking like that, we will throw understand him better.

You will be late if you don't hurry.

If a ruby is heated, it will temporarily lose its colour.

### شرطى نوع دوم (حال غير واقعى) Hypothetical/Unreal Condition

به وضعیتی اشاره دارد که در حال حاضر امکان انجام آن وجود ندارد بلکه به صورت خیالی و ذهنی احتمال انجام کاری را بیان می کند. ساختار کلی این نوع شرطی به شکل زیر است:

جمله شرط	پاسخ شرط
زمان گذشته ساده if	(آینده در گذشته) مصدر بدون would/could/might+to

If John studied hard, he would pass the test.

## بخش ده : جمله های شرطی Conditional Sentences بخش ده : جمله های شرطی

John might pass the test if he were studying.

If John could study, he could pass the test.

If you didn't tell me about Maxwell's birthday, I would forget it.

Dinner would be fine weren't the meat cold.

If I were you, I would buy that car.

#### شرطى نوع سوم (گذشته غير واقعي) Unreal/Past Conditional

به عملی اشاره دارد که در گذشته انجام گرفته یا نگرفته است و در کل، موقعیت از دست رفته است.

جمله شرط	پاسخ شرط
if زمان گذشته کامل	(آینده در گذشته کامل) زمان حال کامل + would/could/might

John would have passed the exam if he had studied.

If John had been studying, he could have passed the exam.

If John had been told about the exam, he might have studied for it.

You would have found your ticket if you had looked into your pocket.

Had Barbara seen you, she would have talked to you.

If he drives to Detroit, I will ride with him.

He would go to New York if she allowed me.

نکته (۲): به جای if می توان از oif می توان از

## (Grammar for University Students) کرامر برای دانشجویان

that وunless استفاده کرد. در ادامه کاربرد هر یک از این واژه ها آمده است.

نکته (۳): unless جمله شرط را معنای منفی می بخشد.

Unless you hurry, we're going to miss movie.

(If you don't hurt, we're going to miss movie.)

نکته(٤): provided (that) در صورتی به کار می رود که شخص شدیدا مجبور به انجام کاری شود. به عبارت دیگر، برای تحقق کار، محدودیت خاصی در نظر گرفته شده است و انجام آن بسته به آن شرط (محدودیت) می باشد.

I will lend you 50 dollars provided that you repay me as soon as possible.

(I will lend you 50 dollars if you promise to repay me as soon as possible.)

نکته(۵): suppose/supposing در معانی زیر به کار می رود:

What will/ would happen if...? /What would have happened if...? Suppose you fail the final exam? (What will happen if you fail the final exam?)

You supposing had fail the final exam?

(What would have happened if you failed the final exam?)

In case it snows, we'll have the picnic inside.

(If it snows, we'll have the picnic inside.)

نکته(۷): if را می توان در شرطی های غیر واقعی حذف کرد که در این صورت جای فعل و فاعل عوض می شود.

Were Mike interested in becoming a pilot, he would take the pilot training course.

Had he completed school, he wouldn't have had to take extra course.

# بخش ده : جمله های شرطی Conditional Sentences

نکته(۸): می توان در مواقع ضروری، ترکیبی از انواع شرطی ها را با هم داشت که بیشتر برای بیان افکار و عقاید به کار می روند و این ترکیب شامل نوع دوم و سوم می باشد.

If I had not listened to him last weekend, I would not have this terrible cold now.

I would plan to play soccer with you in the park this weekend if I had already completed my composition.



## بخش یازده: جمله واره های قیدی

### **Adverb Clauses**

جمله واره قیدی جمله وابسته ای (dependent clause) می باشند که شامل مبتدا و خبری است که با کمک حرف ربط قیدی به جمله مستقل independent) در است که با کمک حرف ربط قیدی به جمله مستقل clause) ارتباط داده می شود. جمله واره قیدی می تواند در اول، آخر یا حتا در وسط جمله در کنار فعل اصلی به کار رود. اگر جمله واره قیدی در اول جمله بیاید، معمولا یک کاما پس از آن قرار می گیرد.

Because the children had rehearsed many times, their school play was very successful.

He was, as we remember him, a very honest man.

We couldn't meet the deadline, although we worked day and night.

#### Types of Adverbial Clause انواع جمله واره قيدى

#### زمان Time

when, while, as soon as, since, before, after, until, till, as long as, by the time (that), now that, once, whenever

We worked as long as we could.

When a boy, I looked at things differently.

As walking, he kept stopping to look at the flowers.

After finishing the book, he put it on the table.

While George was in London, he wrote daily.

Since she graduated, she has become an engineer.

Shut all the windows before you go off.

Now that the time has arrived for his vacation, he doesn't want to leave.

# بخش یازده: جمله واره های قیدی Adverb Clauses

Once she makes up her mind, she never changes it.

I will love you till the seas run dry.

You may keep my book for as long as you need it.

مکان Place

where, wherever, everywhere

I eat where I work.

Wherever possible, the illustrations are taken from literature.

سبب و دلیل Cause

because, since as, now that, whereas, inasmuch as, as long as, on account of the fact that, owing to the fact that, in view of the fact that, because of the fact that, due to the fact that Inasmuch as no one was hurt because of his intelligence, the judge gave him a light sentence.

It is an unpardonable insult, since intentional.

Because she had always been interested in sports, Linda became an avid supporter of the team.

#### شرط Condition

if, if only, unless, on condition that, provided/providing that, in the event that, in the case that, whether or not, as/so long as, if only, even

We should take a safety in case there is an accident.

Please come early if possible.

She would forgive her husband everything, if only he would come back to her.

As/So long as someone was willing to treat her, she would go

# (Grammar for University Students)گرامر برای دانشجویان

to the movies.

Even if I had known about the meeting, I couldn't have come.

#### تضاد Contrast

• concessive برای نشان دادن تضاد غیر مستقیم

although, though, even though, even if, in spite of, despite of the fact that, notwithstanding (the fact) that, albeit

Jim goes hiking despite the fact that he has ashamed.

Although in a hurry, he stopped to help the boy.

Though capable of making cakes, I prefer to bake cookies.

In spite of working long hours, Joan spends a lot of time with her family.

Even though she disliked the movies, she went with her husband to please him.

Albeit that he was sorely wounded, he remained cheerful in spirit. He accepted albeit with some hesitation.

while, where, whereas, when

Some people spend their spare time reading, while others watch television.

Where the former governor had tried to get the cooperation of the local chiefs, the new governor aroused their hostility by his disregard for their opinions.

He claims to be a member of the royal family when in fact his family were immigrants.

# بخش یازده: جمله واره های قیدی Adverb Clauses

#### هدف Purpose

that, in order that, so, so that, for the purpose that They climbed higher that they might get a better view. I bought a book so that I could read on the flight.

so+سے + that, such(a) + صفت / قید + that, so that

She is so pretty that she attracts a lot of attention.

It's such a hot day that I must go to the beach.

She is so emotional that every little thing upsets her.

She behaved so emotionally that we knew something terrible had upset her.

He was so tired that he fell asleep.

Jackie reads so slowly that she can never finish her homework.

She had so many mistakes that she failed the exam.

They had so many problems that they could not concentrate.

There were so few tickets sold that the concert was cancelled.

Betty had so much homework that she couldn't watch the movie.

The storm caused so much damage that the people were forced to leave their homes.

They had little interest in the project that it failed.

## (Grammar for University Students)گرامر برای دانشجویان

... + فاعل + that + اسم مفرد قایل شمارش + + عضت + so - سفت

He had so a bad headache that he left early.

... + فاعل + that + سم قابل شمارش / غير قابل شمارش + صفت + osuch اسم

It was such a cold afternoon that we stopped playing.

It was such good coffee that Ben had another.

It was such good cake that we asked for more.

They were such good students that they did very well on the TOEFL.

... + فاعل + that + اسم مفرد قابل شمارش + صفت + hat + اسم

He had such a badheadache that he left early.

نکته (۲): از so, such, too, very و enough به عنوان تشدید کننده (that-clause) استفاده می شود که در این صورت جمله وابسته (intensifier) قرار نمی گیرد. پس از too و enough مصدر قرار می گیرد. پس از very، صفت یا قید می آید و پس از such اسم (به همراه صفت) قرار می گیرد.

The milk is too hot to drink.

It was such a loud noise.

It's going to be very cold.

They're such fools.

He wasn't ready enough for the competition.

She spoke loudly enough for everyone to hear.

There is more than enough food to go around.

enough می تواند در صورت این که کفایت (sufficiency) را برساند هم پس از اسم قرار بگیرد و هم پیش از آن.

# بخش یازده: جمله واره های قیدی Adverb Clauses

He had money enough to buy a new car.

He had enough money to buy a new car.

#### تطابق Comparison

She works just as hard as her sister works.

She works harder than her sister (does).

The new machine works more efficiently than the old one (did).

as if, as though, just as, like, as

Betty looks as if something is wrong.

He hasn't behaved as a gentleman should.

Ben walked around as though he was in daze.

#### كاهش جمله واره هاى قيدىReduction of Adverbial Clauses

جمله واره قیدی را می توان تحت شرایطی کوتاه کرد. یکی از این شرایط این است که فاعل عبارت مستقل و وابسته یکی باشد. یعنی اگر فاعل این دو عبارت با یکدیگر متفاوت باشد، نمی توان این جمله واره را کاهش داد. با استفاده از روش های زیر می توان یک جمله واره را کاهش داد:

الف - حذف be

I fell while I was running down the stairs.

I fell while running down the stairs.

$$be$$
 نداشته باشد) به صورت وجه وصفی (وقتی جمله فعل  $be$  نداشته باشد)

Before I left my country, I was worried about new life.

Before leaving my country, I was worried about new life.

www. takbook. com

# (Grammar for University Students)گرامر برای دانشجویان

پ- حذف کردن حرف ربط قیدی که عبارت قیدی را معرفی می کند

When my mother saw me board the plane, she began to cry. Seeing me board the plane, she began to cry.



## بخش دوازده: جمله واره های اسمی

#### **Noun Clauses**

جمله واره اسمی، عبارتی است وابسته ای که مانند اسم، تمام نقش ها را در جمله می پذیرد: فاعلی، مفعولی، مفعول حرف اضافه و متمم صفت.

Where he lives is beautiful.(فاعل)

I don't know who he is. (مفعول)

Nobody can depend on what they were talking about.

(مفعول حرف اضافه)

I'm sure (that) he will succeed. (متمم صفت)

جمله واره اسمی می تواند با استفاده از that ساخته شود و یا این که از کلمه های پرسشی استفاده شود که that و واژه های پرسشی نشانه های جمله واره اسمی می باشند. بنابراین، علاوه بر that، نشانگر جمله واره اسمی می تواند کلمه های پرسشی باشند که عبارتند از:

who, whoever, whom, whomever, what, whatever, which, whichever, why, whether (or not), where, wherever, when ,whenever, how, however, how long, often soon, if, how much, how many, whom, whose

کاربرد هر یک از این کلمه های پرسشی علاوه بر that از قرار زیر می باشد:

• that برای بیان یک واقعیت کاربرد دارد.

I knew that he had to go.

• what تاكيد بر واقعيتي مي كند.

Everyone was surprised at what he brought for the picnic.

• when برای نشان دادن زمان به کار می رود.

# (Grammar for University Students) کرامر برای دانشجویان

He told us when the plane would arrive.

• where درباره مکان به کار می رود.

Where they are going on their honeymoon is a secret.

• why دلیل و علت عملی را نشان می دهد.

She wouldn't say why she left so early.

• who درباره اشخاص کاربرد دارد.

Who sent the letter is a mystery for them.

• how many برای بیان تعداد به کار می رود.

I've lost count of how many times I've broken my glasses.

• how much بیانگر مقدار است.

Carl wasn't paying attention to how much he ate.

• how بیانگر چگونگی می باشد.

He showed us how he was going to win the race.

• which برای انتخاب کردن به کار می رود.

He didn't know which book she was supposed to read.

• whether (or not) بیانگر انتخاب و جایگزینی می باشد.

I didn't know whether I should bring my bike or leave at home.

• whose نشان دهنده مالکیت می باشد.

I never found out whose car was parked outside our house.

• whom درباره اشخاص درحالت مفعولی به کار می رود.

She didn't know to whom he was engaged.

• if بیانگر انتخاب و جایگزینی می باشد.

I didn't know if I should bring my bike.

# بخش دوازده: جمله واره های اسمی Noun Clauses

نکته: باید توجه داشت که کلمه های پرسشی را از این گونه جمله ها نمی توان حذف کرد به جز that که بسته به شرایط زیر می توان آن را حذف کرد و یا این که حذف نکرد:

الف- اگر جمله واره اسمى نقش فاعلى داشته باشد، از جمله حذف نمى شود.

That man passed is a miracle.

ب- اگر جمله واره اسمی نقش مفعولی داشته باشد، that را می توان حذف کرد. Janet noticed (that) the window was broken.

#### it کاربرد

استفاده از جمله واره اسمی که با that آغاز شده، در زبان انگلیسی متداول می باشد. در مکالمه ، اغلب انگلیسی زبانان از it به عنوان فاعل جمله استفاده می کنند.

That the world is facing food shortage is a fact.

It is a fact that the world is facing food shortage

That many people are starving is true.

It is true that many people are starving.

نکته(۱): کاربرد دیگر it به عنوان ضمیر اشاره می باشد. نکته(۱): کاربرد دیگر

نکته(۲): it را می توان به عنوان فاعل تهی به کار برد هنگامی که به زمان، هوا، دما، فاصله یا وضعیت موجود اشاره شده باشد.

It's ten o'clock.

It's Thursday.

It's snowy today.

It's hot.

It's a long away from here to Las Vegas.

نکته (۳): به جای everything ،all و nothing می توان از it استفاده کرد.

I did all I could, but it wasn't enough.

Everything's all right, isn't it?

#### کاربرد there

از این قید برای نشان دادن وجود شی یا اشیایی در مکانی و محیطی استفاده می شود.

There is a book under the desk.

There are twenty cats on the roof.

www. takbook. com



## بخش سيزده: جمله واره هاى وصفى Adjective (Relative) Clauses

جمله واره های وصفی جمله های وابسته ای هستند که کارکردی مانند مشابه صفت دارند و تمام نقش هایی را که یک صفت می پذیرد را بر عهده دارند.

The man who saw the child works nearby.

The man who(m) we saw works nearby.

The man that was hired lives in blue house.

The watch which I lost was not valuable.

The vase that I bought was handmade.

The woman whose car broken down needs a ride.

That was the year when we move to Alaska.

I never forget the day when I first met you.

Do you know the reason why she doesn't like me?

I saw a girl whose hair came down to her waist.

H's got a job in a new firm, where they don't work such long hours.

The musician who taught David to play the violin is a member of the Cleveland Symphony.

Officer Smith often lectures to high school classes which learning safe driving principles.

Bob is the young man who(m) she interviewed.

She said you could bring who(m)ever you wish.

The book which I borrowed from Carmen has been very useful.

ضمیرهای موصولی (relative pronouns) که در این نوع جمله واره های وابسته به کار می روند عبارتند از:

• who در حالت فاعلى به كار مي رود.

## (Grammar for University Students)گرامر برای دانشجویان

• whom در حالت مفعولی مورد استفاده قرار می گیرد. ولی در حال حاضر whom دیگر کاربرد کمتری دارد و در این حالت نیز از who استفاده می شود و بهتر است، ساختار جمله را تغییر می دهند. به عنوان مثال به جای این که گفته شود

The girl to whom you were speaking is Nigerian.

بهتر است که این گونه بیان شود:

The girl you were speaking is Nigerian.

- which برای اشیا کاربر د دارد.
- whose برای بیان مالکیت مورد استفاده قرار داده می شود.
  - when برای زمان به کار می رود.
    - where برای مکان کاربر د دار د.
      - why برای دلیل کاربرد دارد.
- that برای اشیا، حیوانات و گروه های انسانی (مانند حضار، جمعیت و کلاس) به کار برده می شود.

The people that live next door keep having all-night parties. There are the keys that open the front and back doors.

#### كاهش جمله واره وصفى Reduction of Adjective Clause

در صورتی می توان جمله واره وصفی را کاهش داد که در نقش فاعلی باشد. در این صورت ضمیر موصولی حذف می شود و اگر جمله be داشته باشد حذف می شود و فعل به صورت وجه وصفی(present participle) نوشته می شود.

The man who is driving has a new car.

The man driving\_has a new car.

The ideas which had been presented in the previous meeting were discussed.

# بخش سیزده: جمله واره های وصفی Adjective (Relative) Clauses

The ideas presented in the previous meeting were discussed.

The man who is responsible said the underground water had a high salt content.

The man responsible said the underground water had a high salt content.

The name, which is Lou Ann, contains easy sound for the deaf of pronounce.

The name, Lou Ann, contains easy sound for the deaf of pronounce.

The books that are on the table belong to Emma.

The books on the table belong to Emma.

#### جمله واره وصفی ضروری و غیر ضروری

جمله واره وصفی ضروری برای توصیف اسم و روشن ساختن مفهوم جمله لازم است و در صورت حذف از جمله، معنا و مفهوم آن را متفاوت و مبهم خواهد کرد. در نتیجه آن را نمی توان از جمله حذف کرد. اما جمله واره وصفی غیر ضروری اطلاعات اضافی را ارایه می کند که برای شنونده از پیش مشخص بوده است و در صورت حذف از جمله ابهامی در آن ایجاد نمی شود. نکته نگارشی این است که عبارت وصفی ضروری، کاما نمی گیرد در حالی که عبارت وصفی غیر ضروری کاما می گیرد.

All the students who don't study will fail this course.

My younger brother, who lives in Chicago, got married yesterday.

نکته: در صورت کاهش جمله واره وصفی غیر ضروری، آن را می توان در ابتدای جمله به کار برد.

The White House, which is located in Washington, is the home of the President.

The White House, located in Washington, is the home of the

President.

Located in Washington, the White House is the home of the President.



## بخش چهارده: عبارت وصفی

## **Participle Phrase**

عبارت وصفی (وجه وصفی) در واقع با اضافه کردن ed/ing به آخر فعل، به صورت صفت در می آید و تمام نقش های یک صفت را می پذیرد. به بیان دیگر، عبارت وصفی شکل کوتاه شده جمله واره وصفی می باشد. وجه وصفی به دو گروه وجه وصفی فیاعلی (present participle) و وجه وصفی مفعولی (participle) تقسیم می شود.

The horse trotting up to the fence hopes that you have an apple or carrot.

Eaten by mosquitoes, we wished that we had made hotel, not campsite reservation.

عبارت وصفی در سه جایگاه قرار می گیرد و نقش های زیر را می پذیرد.

الف-عبارت وصفى كه اسم يا ضمير را توصيف مى نمايد.

۱) پس از اسمی که آن را توصیف می کند.

• اسم در نقش فاعلى

The new President, supported by all the people, felt confident about the future.

The girl talking to the teacher is very intelligent.

• اسم در نقش متمم فاعلى

This is a good government, supported by all the people. The person to see is that girl talking to the teacher.

• اسم در نقش مفعولي

They now have a good government, supported by all the people.

## (Grammar for University Students) کرامر برای دانشجویان

Ben knows the girl talking to the teacher.

They long for a good government, supported by all the people. Ben is interested in the girl talking to the teacher.

Supported by all the people, the new President felt confident about future.

The new President felt confident about future, knowing that he had the support of all the people.

I heard him talking to the teacher.

نکته (۱): عبارت وصفی ضروری برای تکمیل معنا و مفهوم جمله لازم است و اگر از جمله حذف شود، مفهوم جمله کامل و رسا نخواهد بود که در این گونه عبارت کاما به کار نمی رود. اما عبارت وصفی غیر ضروری اطلاعات اضافی و تکمیلی را ارایه می کند و در صورت حذف، معنا و مفهوم جمله ناقص نخواهد شد که در این گونه عبارت کاما به کار می رود.

All passengers not going to Rockaway must change trains at the next stop.

- 1. The woman who is washing the dishes is our new cook. *The woman washing the dishes is our new cook.*
- 2. We need a room which seats one hundred people. We need a room seating one hundred people.

# بخش چهارده: عبارت وصفی Participle Phrase

3. The jewelry which was stolen from our neighbour's house was found by the police.

The jewelry stolen from our neighbour's house was found by the police.

4. Any package which is not wrapped properly will not be accepted by the post office.

Any package not wrapped properly will not be accepted by the post office.

Hoping to finish college in three years, Robert worked very hard. *Robert worked very hard, hoping to finish college in three years.* 

Some men were sitting in the patio drinking beer.

He drove around looking for a place to work.

She wore herself out trying to pacify child.

نکته (٦): در حالت استمراری، ضمیر موصولی و فعل be حذف می شود. در حالت having + p.p. / کامل، ضمیر موصولی حذف می شود و ساختار جمله به صورت having + been + p.p.

- 1. The music which is being played now is by Bach. *The music being played now is by Bach.*
- 2. They expect to help the poor with the money that is being collected. *They expect to help the poor with the money being collected.*
- 3. The Smiths, who had found the house they wanted to buy, began to bargain with the owners to reduce the price.

## (Grammar for University Students)گرامر برای دانشجویان

The Smiths, having found the house they wanted to buy, began to bargain with the owners to reduce the price.

4. Mr. Richards, who had been badly wounded in the last year war, was receiving a pension from the government.

Mr. Richards, having been badly wounded in the last year war, was receiving a pension from the government.

نکته(۷): فعل هایی مانند find, leave, keep, catch, send و فعل های hear, feel, behold, witness, watch, see, perceive, observe, مانند notice, listen دو مفعول می گیرند. در این حالت فعل می تواند به صورت ساده (مصدر بدون to) و یا وجه وصفی بیاید.

She caught her daughter taking/take money from her purse.

The officer kept us waiting/wait (for) several hours.

We heard angry voice coming/come from the next door.

He watched kitten trying/try climb the tree.

The strong wind sent his paper flying/fly all over the room.

The bandits left their victims standing/stand in the desert.

البته smell از این قاعده مستثناست و فقط باصورت وجه وصفی می آید.

در حالی که وجه وصفی بر مدت زمان انجام کار (دوره زمانی) تاکید می کند ولی مصدر بدون bare infinitive) بر انجام عمل به عنوان یک کل تاکید می کند.

نکته(۸): عبارت وصفی می تواند جایگزین جمله واره قیدی شود که در این صورت عبارت وصفی زمان و دلیل انجام کاری را بیان می دارد.

1. Believing he was a total failure in everything he did, the man was on the point of suicide.

After believing he was a total failure in everything he did, the man was on the point of suicide.

# بخش چهارده: عبارت وصفی Participle Phrase

- 2. Playing golf in the afternoon, he suffered sunstroke. While he was playing golf in the afternoon, he suffered sunstroke.
- 3. Having been defeated three times in a row, the boxer decided to give up fighting.

Because he had been defeated three times in a row, the boxer decided to give up fighting.

نکته (۹): عبارت وصفی همیشه نقش صفتی را ایفا میکند در حالی که اسم مصدر در نقش اسم می باشد.

After a long day at school and work, Michel found her roommate Ben eating the last of the leftover pizza. (عبارت وصفى)

Ben's rudest habit is eating the last of the leftover pizza. (اسم مصدر)

#### وجه وصفى و صفت Participle vs. Adjective

وجه وصفی فاعلی (present participle) می تواند قسمتی از فعل باشد و یا این که صفت باشد. برای تشخیص این که قسمتی از فعل می باشد یا صفت، بدین گونه عمل می نمایند که اگر آن پس از be قرار گیرد، قسمتی از فعل است و در غیر این صورت، صفت می باشد.

The man is talking to his friend.

The man talking to his friend has some beard.

وجه وصفی مفعولی نیز (past participle) همانند وجه وصفی فاعلی have have می تواند در نقش وصفی باشد و یا قسمتی از فعل. اگر آن پس از be و be قرار گیرد، قسمتی از فعل می باشد و در غیر این صورت نقش وصفی دارد.

The family has purchased a television.

The television purchased yesterday was expensive.

The poem was written by Paul.

# (Grammar for University Students) گرامر برای دانشجویان

The poem written by Paul appeared in the magazine.

نکته (۱۰): وجه وصفی پیش از اسم به کار می رود و می تواند بر ویژگی های زیر دلالت داشته باشد:

۱) عملی را به اسم نسبت می دهند که در حال روی دادن است:

swaying tree moving train

۲) اشاره به عملی که موصوف برای انجام آن ساخته شده است:

washing machine dining room

اما وجه وصفى مفعولى بر عملى دلالت مى كند كه پيشتر بر اسم واقع شده است:

baked potato injured hand



### بخش پانزده: مصدر

### **Infinitive**

شکل ساده فعل + to ، مصدر را می سازد. مصدر می تواند در موارد زیر کاربرد داشته باشد:

الف- كامل كردن معناى فعل

The child started to cry.

ب- کامل کردن معنای صفت

Stewart seems anxious to leave.

پ- نشان دادن هدف و دلیل انجام کاری

He works overtime in order to earn extra money.

ت- پس از اصطلاح های دارای too

She may be too tired to go.

ث- پس از اصطلاح های دارای enough

He had enough patience to help everyone.

ج- بیان توانایی و مهارت با استفاده از how

Henry knows how to make beautiful kites.

چ – پـس از کلمـه هـای پرسشـی ماننـد what, which, where, how مصـدر می تواند در جمله واره اسمی به کار رود.

I don't know which road to take.

ح- پس از فاعل یا مفعول

To get eight hours sleep each night is not always possible خ- در جمله ای که it نقش فاعلی داشته باشد.

## (Grammar for University Students)کرامر برای دانشجویان

It has taken a long time to finish the project.

afford, agree, arrange, be, care, claim, come, consent, decide, demand, deserve, endeavour, fail, forget, happen, hesitate, hope, learn, manage, mean, neglect, offer, plan, prepare, pretend, proceed, refuse, seem, struggle, swear, threaten, volunteer, wait

My cousin has agreed to live with me.

She is to be the one who will cook.

We can't afford to go on vacation this year.

No one really knows why he agreed to do the film.

I wouldn't care to meet him in a dark alley.

People aren't always what they seem to be.

advise, allow, appoint, cause, caution, challenge, command, compel, convince, direct, encourage, force, get, help, hire, implore, instruct, invite, motivate, oblige, order, permit, persuade, remind, request, require, show...how, teach, tell, tempt, urge, warn

The doctor advised me to stop smoking.

The people who smoke encouraged each other to protest this command.

He warned Billy to keep away from his daughter.

Jill taught me to be less critical of other people.

I help her (to) carry her carry her cases up the stairs.

نکته(۳): پس از فعل های زیر، می توان بلافاصله مصدر قرار داد و یا این که ابتدا مفعـول و سپس مصدر را قرار داد. باید این نکته را مد نظر قرار داد که معنای این دو الگـو بـا یکـدیگر متفاوت خواهد بود (به جز promise که در هر دو الگو معنای یکسانی را دارد).

# بخش پانزده : مصدر Infinitive

ask, beg, choose, dare, expect, need, prefer, promise, want, wish

1. He promised to be on time.

He promised us to be on time.

2. I have asked to see the doctor.

I have asked my husband to see the doctor.

3. I want to get a checkup next week.

I want you to get a checkup next week.

amazed, angry, anxious, ashamed, astonished, delighted, disappointed, disgusted, eager, glad, happy, horrified, pleased, proud, relieved, sad, shocked, sorry, surprised, upset

I am glad to have you here.

We will be sorry to see you.

Joan agreed not to help them.

- Why did you take the longer route?
- -I wanted to.

Becky walks five miles every day because she likes to.

- She seemed to be troubled by smoking.
- -Yes, she seemed to be.



# بخش شانزده: اسم مصدر Gerund

اسم مصدر با اضافه شدن ing به فعل ساخته می شود و کاربردی همانند اسم پیدا می کند؛ به عبارت دیگر، می تواند نقش فاعل، مفعول، مفعول حرف اضافه، عبارت قیدی، متمم فاعلی و بدل را بپذیرد.

Her cleaning the house every day is not necessary. (فاعل

Her husband appreciates her cleaning the house every day. (مفعول

(مفعول حرف اضافه) . Her husband insists on her cleaning the house every day

What her husband insists on is her cleaning the house every day. (متمم فاعلى)

Her husband insists one thing \_her cleaning the house every day. (بدل)

admit, advocate, anticipate, appreciate, avoid, can't help, consider, contemplate, defer, delay, deny, detest, discuss, dislike, drop (= stop), enjoy, entail, escape, evade, excuse, fancy (= imagine), finish, forgive, give up (= stop), (be) grudge, imagine, involve, justify, keep, keep on, leave off, mention, mind, miss, necessitate, postpone, practice, prevent, put off, quit (= stop (informal)), recommend, regret, relish, report, resent, resist, risk, shirk, stop, suggest, tolerate, understand

After a while, the passengers quit worrying about the delay.

Mr. Chapman can't tolerate being late so frequently.

Bob admitted borrowing Tom's car.

The officer suggested their not walking alone in remote areas of the park.

We have considered selling our house.

## بخش شانزده: اسم مصدر Gerund و المسلم الم المسلم المسلم

They anticipate moving to bigger premises by the end of the year. I begrudge spending so much money on train fares.

نکته (۲): صفت ملکی می تواند پیش از اسم مصدر یا عبارت مصدری قرار بگیرد.

I couldn't understand his coming late.

نکته (۳): برای منفی کردن اسم یا عبارت مصدری کافی است که قید منفی کننده not را پیش از آن به کار برد.

My doctor thought about not letting me go on vacation

نکته(٤): پس از اصطلاح های زیر نیز اسم مصدر قرار می گیرد:

can't stand, can't help, have trouble, mind, never mind, make memory, not use, spend time, take turns

Claude spends his free time reading history books.

Never mind cooking. We'll go out to eat.

نکته(٥): پس از فعل های زیر می توان هم مصدر یا اسم مصدر را به کار برد بدون این که در معنای آن ها تفاوتی ایجاد شود.

advise, begin, cannot bear, continue, dread, forbid, hate, intend, like, love, need, prefer, start

The students prefer not having a final exam.

The students prefer not to have a final exam.

Who here intends staying tonight?

Who here intends to stay tonight?

نکته (٦): پس از فعل های زیر می توان مصدر یا اسم مصدر را به کار برد ولی معنای دو ساختار متفاوت خواهد بود:

forget, mean, postpone, regret, remember, stop, try, used to

- a) We stopped to eat. (stopping)
- b) We stopped eating. (eating)

## (Grammar for University Students) گرامر برای دانشجویان

در جمله (a) منظور جمله، توقف کردن برای خوردن می باشد در حالی که در جمله (b) منظور توقف عمل خوردن می باشد. به نمونه های زیر دقت کنید.

1. We mean *(intend)* to find a solution to his problem before we go home.

It may mean (result in) staying up all night until we arrive at an answer.

2. I used to (habitual past) walk to classes at the university every day.

I am used to (accustomed to) walking everywhere, so I enjoy it.

نکته: جایگاه اسم مصدر همانند جایگاه اسم است. آن را نمی توان با کاما، دو نقطه و خط تیره از جمله جدا کرد مگر وقتی که نقش بدل بگیرد.

He has devoted his life to one cause: fighting against all political and social injustice.

The plotting and intriguing of the ambassador for his own ends finally caused his dismissed.



## بخش هفده: حرف های تعریف

### **Articles**

در زبان انگلیسی حرف تعریف a(n) و the وجود دارد که a(n) را حرف تعریف نامعین و the و عین مین می نامند. به عبارت دیگر، a(n) بـرای اشـاره بـه اسـم هـای ناشناخته ( نکره ) و the برای اسم های شناخته شده (معرفه ) به کار می رود. هر یـک از ایـن دو حرف تعریف، کاربرد خاص خود را دارد که در ادامه بدان ها پرداخته خواهد شد.

#### کاربرد the

۱) شخص و شيء معين و مشخص

He walks into the house and hangs his coat on the closet.

۲) طبقه و گروه به طور کلی

The lion is an animal.

۳) صفت های درجه بندی شده

the best way, the fifth lesson

٤) مصدر یا اسم مصدر به همراه عبارت دارای of

the election of officers, the changing of the guards of the lake of Lucerne

۵) مکان هایی مانند اقیانوس ها، دریاها، خلیج ها، دریاچه ها (به صورت مجموعه)،
 رودخانه ها و رشته کوه ها

the Pacific Ocean, the Black Sea, the Great Lakes

the United States, the Netherlands, the United Kingdom

۷) مجمع الجزايرهايي كه به صورت جمع مي باشند

the Philippines, the Virgin Islands

## (Grammar for University Students)کرامر برای دانشجویان

۸) دانشگاه ها و کالج ها

the University of Texas, the college of engineering

۹) جنگ ها به جز جنگ ها ی جهانی

the Civil War, the War of Independence

۱۰) اسناد قدیمی

the Treaty of Geneva, the Magna Carta

١١) كشتى ها، قطارها و هواييماها

the Queen Mary, the Orient Express

۱۲) منطقه های جغرافیایی

the Middle East, the Orient

۱۳) پیش از اعداد ترتیبی

the first, the second

نکته(۱): در موارد زیر حرف تعریف the کاربرد ندارد:

۱) دریاچه ها، کوه ها و جزیره هایی که به شکل مفرد به کار می روند

Lake Superior, Mount Everest, Lake Michigan

۲) نام قاره ها و کشورهایی که به صورت مفرد به کار می رود

Spain, Canada, Asia, Africa, Great Britain

۳) عنوان های کلی

Geography, History

٤) نام اشخاص و مجلات

Time Magazine, Charlie Brown

٥) نام دانشگاه ها و كالج هايي كه اسم خاص در آن ها به كار رفته است

Las Angeles City College, Harvard

### بخش هفده: حرف های تعریف Articles بخش هفده: حرف های تعریف

٦) ايالات، شهرها، خيابان ها

Florida, Cape Town, Azadi Street

نکته(۲): حرف تعریف the پیش از past, present و past به کار می رود، اما با present time past time, به کار نمی رود.

He has worked with the same firm from the time he was twenty to the present.

Undoubtedly there will be exciting new inventions in future time.

نکته (۳): اگر واژه هایی مانند cinema و theatre را به عنوان یک مهارت و هنر در نظر بگیریم، نیازی به حرف تعریف the نمی باشد، در غیر این صورت the به کار می رود.

Cinema is different from theatre in several ways.

He's worked in radio all his life.

نکته (٤): در انگلیسی بریتانیایی ساختارهایی مانند کید در انگلیسی بریتانیایی ساختارهایی مانند Bristol Zoo و Station حرف تعریف انمی گیرند در حالی که در انگلیسی آمریکایی این حرف تعریف به کار می رود.

### کاربرد(a(n

ود. در a(n) از واژه one مشتق شده است و برای اسم های نامعین و مفرد به کار می رود. در مورتی که واژه با یکی از حرف های صدا دار  $\{a,\,e,\,i,\,o,\,u\}$  آغاز و تلفظ شده باشد حرف تعریف  $\{a,\,e,\,i,\,o,\,u\}$  کاربرد دارد.

an umbrella an apple an hour an illness an automobile a university an M a C

u نکته ای که باید توجه داشت در مورد دو حرف u و u می باشد. اگر u به صورت u تلفظ شود، حرف تعریف u قبل از آن به کار می رود. اگر واژه ای با u آغاز شده باشد ولی تلفظ نشود و حرف بعد از آن صدادار باشد، حرف تعریف u پیش از آن به کار می رود.

an unhappy man a heat a hospital

# (Grammar for University Students)کرامر برای دانشجویان

a unit an understanding an honour

نکته(۱): اسم هایی که به ملیت اشاره دارند و به ese, -ch, -sh- ختم می شوند، اگر زبان و گویش کشوری را برسانند، فعل مفرد می گیرند اما اگر به مردم آن کشور اشاره داشته باشد، حرف تعریف the به کار می رود و فعل جمع با آن ها به کار می رود.

Japanese is a difficult language to write.

The Japanese are famous for these beautiful gardens.

نکته(۲): حرف تعریف نامعین (a(n) را به شرطی که به احساسات انسانی و فعالیت های ذهنی اشاره داشته باشند، می توان برای اسم های غیر قابل شمارش به کار برد.

She has always had a deep distrust\_of strangers.

My parents wanted me to have a good education.

نکته (۳): همان گونه ای که اشاره شد a و an مشتق one می باشند و در نتیجه می توان one را جایگزین آن ها کرد. وقتی one در جمله ای به کار می رود، این امر بیانگر این است که گوینده بر "یکی" بودن تاکید می کند نه بیش از آن؛ در حالی که جملاتی که a و an را دارند این تاکید را ندارند.

I ate one apple.

There was one car in this street.



### بخش هجده: حرف های اضافه

### **Prepositions**

حرف اضافه سبب ارتباط اسم یا ضمیر به فعل، اسم دیگر یا صفت می گردد و در این بخش به معرفی تعدادی از حرف های اضافه پرداخته می شود.

#### **ABOUT**

نشان دادن ارتباط موضوع و کاری به کس یا چیزی

The book is about the Civil War.

He is sincere about returning to America.

نکته(۱): برای اشاره به حدود و اندازه چیزی از about استفاده می شود.

There were about fifty people in the hotel.

نکته(۲): برای اشاره به مکان هایی که به طور کلی نامی از آن ها برده شده است نیز از about استفاده می شود.

The children were running about/round everywhere.

نکته (۳): برای ارایه توضیح درباره فعالیت هایی که بیشتر جنبه وقت گذرانی و اتلاف وقت دارند، از این حرف اضافه استفاده می شود.

Stop fooling about/round. We're late.

#### **ABOVE**

بر روی چیزی قرار داشتن، بالاتر بودن

Our office is above the hairdresser's.

He had a bruise just above his left eyes.

### **ACROSS**

سرتاسر، از میان، سوی دیگر

They ran straight across the road.



My girlfriend lives across the road.

#### **AGAINST**

نشان دادن تضاد و تقابل

They were against their daughter's decision.

He stood against the wall.

### **AMONG (AMONGST)**

درمیان چند چیز

They strolled among the crowd.

It's OK, you're among friends now.

A British woman was among the survivors.

#### AROUND / ROUND

دور، پیرامون اطراف

Is there a bank around here?

He wandered around the streets, looking in shop windows.

Gather round! I have an important announcement too make.

There was a lovely courtyard with tables all round.

#### ΔT

به کارگیری آن قبل از نشانی، ساعت، شب، نیمه شب، ظهر، قیمت، مسیر، هدف و در اصطلاح هایی مانند at present, at first

He lives at Smithville.

At present there is no one home.

The prices of those books begin at one dollar and go up.

Look at this boy fighting.

Ben arrives at four o'clock.

Marry goes to school at night.

# بخش هجده: حرف های اضافه Prepositions

We felt uncomfortable at first.

نکته(۱): at را می توان پیش از مکان های خاص مانند ساختمان ها و ادارات به کار برد.

I first met your father at / in Harrolds.

نکته(۲): این حرف اضافه را می توان پیش از نام ساختمان ها و موسسات خاصی به کار برد که منظور گوینده صرفا آن مکان ها نمی باشد بلکه فعالیت هایی است که در آنجا انجام می پذیرد.
There's a good film at cinema in Market Street.

نکته (۳): قبل از نام شهرهایی که منظور گوینده دانشگاه آن شهر می باشد نه خود He's a student at Oxford.

نکته (٤): این حرف اضافه را می توان برای آخر هفته، روزهای تعطیل عمومی مانند کریسمس، سال نو و مانند این ها به کار برد.

We're having the roof repaired at Easter.

نکته(٥): برای اشاره به فعالیت های گروهی از at استفاده می شود.

at a party

at a meeting

at the match

#### **BELOW**

در زیر قرار داشتن، در نقطه پایین بودن

I could hear voices in the country yard below my window. They camped a few hundred feet below the summit.

### **BENEATH**

مستقیم زیر چیزی قرار داشتن، نامطلوب

کاربردی شبیه under و below دارد با این تفاوت که بیشتر در متون ادبی و رسمی به کار می رود.

The boat sank beneath the waves.

He considers such jobs beneath him.

They thought she had married beneath her.

## Grammar for University Students) کرامر برای دانشجویان

The first drawer beneath the top one belongs to Michele.

### **BESIDE**

Willy came up and sat beside me.

I was standing right beside her at the time.

### **BESIDES**

I need the money. And besides, when I agree to do something, I do it. The area has stunning scenery, beautiful beaches, and much more besides.

She has so much else to do besides.

#### **BETWEEN**

Q comes between P and R in the English alphabet.

My job is somewhere between a secretary and a personal assistant.

### $\mathbf{BY}$

It was repaired by the mechanic.

He lives by himself.

I hope I can finish my work by 6.

By next week it should be completed.

We went by bus.

#### **FOR**

# بخش هجده: حرف های اضافه Prepositions

She played the piano for two hours.

He repaired the bicycle for me.

When his father was away, Tom did the work for her.

### **FROM**

نشان دادن مبدا و شروع کاری

She got a wristwatch from her parents.

He worked from 8 a.m. to 6 p.m.

I'll be there from three o'clock on wards.

### IN

این حرف اضافه در موارد زیر به کار می رود:

ماه، فصل، سال، غروب، کشور، شهر، نشان دادن محتوای چیزی و مکان های وسیع

The ticket is in my purse.

She likes to read in the evening.

He's coming in October.

She grew up in Swaziland.

I last saw her in the car park.

نکته: قبل از نام خیابان نیز از این حرف اضافه استفاده می شود. ولی در انگلیسی آمریکایی از on استفاده می شود.

She lives on/in Albert Street

#### **LIKE**

نشان دادن مشابهت

The boy spoke like a man.

نکته: as مانند like برای نشان دادن مشابهت به کار می رود. با این تفاوت که as مرف ربط حرف اضافه می باشد که پیش از ضمیر یا اسم به کارمی رود؛ در حالی که as حرف ربط می باشد و پیش از جمله واره یا عبارتی که با حرف اضافه آمده است به کار می رود.

## (Grammar for University Students)کرامر برای دانشجویان

She's dressed just like me.

In 1939, as in 1914, everybody seemed to want me.

John and Tom worked in a like manner.

John is like Tom.

### **OF**

نشان دادن مالكيت

I bought a pound of sugar.

Many of the voters felt that their property taxes were too high. The last scene of the movie was romantic.

### **OFF**

دور از مکان، جدا از چیزی

One were off the main freeway, the trip felt more like a vacation.

Are you ready? Off we go.

Keep off the grass.

Ashe leaned forward, his hat fell off.

### **ON**

نشان دادن روز و تاریخ معین و خاصی، وسایط نقلیه به جز ماشین سواری، خیابان، تیم، دریا، دریاچه و شماره طبقه

The book is on the shelf.

Mike is on the college football team.

She plans to leave on May 30.

Sharron is on the Lake Windermere.

She lives in a flat on the third floor.

# بخش هجده: حرف های اضافه Prepositions

In whose home was the party held?

(کمتر حالت رسمی دارد) Whose home was the party held in?

### **OVER**

روی، بالا، بر فراز، متجاوز از

A lamp hung over the table.

The sign over the door said, "Mind your heal."

### **THROUGH**

از میان، از طریق، سرتاسر

She smiled at him as he walked through the door We made our way through the village to the farm.

### TO

این حرف اضافه به همراه مکان یا افراد

He gave it to me.

We walked to the station.

I usually work from 9 to 12.

### **TOWARDS (TOWARD)**

He noticed two policemen coming toward(s) him.

The crisis continued as Britain drifted toward(s) war.

Her parents had been more sympathetic toward(s) her.

#### UNDER

در زیر چیزی قرار داشتن، در مکان پایین تری بودن

Wendy had hidden the box under her bed.

I could see something glittering under the water.

### **UNDERNEATH**

دقیقا در زیر چیزی قرار داشتن

He got out of the car and looked underneath.

It's near where the railway goes underneath the road.

#### UP

بر روی چیزی قرار داشتن، در جایگاه بالاتری بودن

We walked slowly up the hill.

She picked her jacket up of the floor.

#### WITH

برای نشان دادن کاری که در دست اقدام می باشد، همراهی کردن با چیزی یا شرح دادن کار و عملی

We went to the theatre with our friends.

She opened the box with a knife.

نکته(۱): این حرف اضافه به همراه اصطلاح هایی که با ذهنیات و احساسات افراد سر و کار دارد، به کار می رود.

When I found her, she was blue with cold.

My father was trembling with rage.

There are so many people around with no home.

They've bought a house with a big garden.



#### WITHIN

درون، داخل، در مدت، در حصار

Is it within walking distance?

The ambulance arrived within minutes of the call being made.

We are now within range of enemy fire.

accuse of, approve of, consist of, be in charge of, be in favour of, remind (one) of, take care of, take advantage of, what's the use of, argue with/about, agree with, compete with, communicate with, excel in, cooperative with, experiment with, interfere with, sympathize with, refer to, boast about, complain about/of, find out about, speak about, forget about, think about/of, worry about, comment on, depend on/upon, count on, insist on/upon, keep on, call off, major in, rely on/upon, put off, apologize for/ to, apply to/for, be used to, compare to/with, contribute to, dedicate to, devote to, look forward to, object to, respond to, subscribe to, arrive at (airport, school, theatre, etc.), arrive in (city, state, country), look at/for, preside over, believe in, participate in, take part in, succeed in, excuse for/from, substitute for, thank for, distinguish from, escape from, prevent from, prohibit from, recover from, rescue from, save from, vote for

admiration for, fondness for, pity for, preference for, reason for, responsibility for, respect for, search for, substitution for, sympathy for, authority on, dependency on, effect on/upon, reliance on, ability in, belief in, competency in, confidence in, experience in, failure in, faith in, participation in, pleasure in, pride in, satisfaction in, skill in, success in, difference among /between, approval of, fear of, knowledge of, choice of, means of, division of, possibility of, prevention of, process of, divorce

## (Grammar for University Students)گرامر برای دانشجویان

from, escape from, protection from, attempt at, access to, commitment to, comparison to, indifference to, devotion to, dedication to, objection to, opposition to, reference to, response to, subscription to, argument about, complain about, concern about, confusion about, ideas about

afraid of, appreciate of, ashamed of, aware of, bored of, capable of, careful of, composed of, conscious of, considerate of, critical of, envious of, fearful of, frightened of, guilty of, hopeful of, interested in, disappointed in, experienced in, involved in, skillful in, successful in, based on/upon, depend on/upon, found on/by, insistent on/upon, innocent of, jealous of, made of, proud of, sick of, regardless of, supportive of, suspected of, thoughtful of, tolerant of, tired of, acquainted with, covered with, familiar with, finished with, pleased with, provided with, patient with, satisfied with, comparable to, confined to, committed to, attentive to, alert to, dedicated to, devoted to, faithful to, indifferent to, inferior to, kind to, married to, opposed to, polite to, preferable to, related to, sensitive to, similar to, superior to, derived from, different from, divorced from, far from, prevented from, free from, prohibited from, good at, surprised at/by, upset over, divided in/into, anxious about, concerned about, happy about, confused about, enthusiastic about, excited about, nervous about, sad about, skeptical about, worried about, adequate for, appropriate for, blamed for, famous for, fit for, grateful for, known for, prefect for, qualified for, responsible for, suitable for, affected by, angered by, attacked by, caused by, flattered by, offended by

ahead of, in case of, in care of, in charge of, in the course of, in favour of, in front of, in honour of, in place of, in search for, instead of, in spite of, in terms of, by means of, for fear of, for the sake of, make use of, on account of, with the exception of, what's the use of, because of, for the purpose of, in addition to, in comparison to, in reference to, in regard to, due to, feel like, in connection with, except for, take a chance on



# بخش نوزده: فعل های دوقسمتی(مرکب) **Two-word (Phrasal) Verbs**

فعل ها می توانند با واژه های دیگر ترکیب شوند که بدین ترتیب معمولا معنای تازه ای را حاصل می کنند و بدان ها فعل های دوقسمتی (مرکب) می گویند. فعل ها می توانند با حروف اضافه یا ادات قیدی همراه شوند. اگر این فعل ها با حرف اضافه همراه شوند، فعل های دوقسمتی جدا نشدنی خوانده می شوند، زیرا مفعول چه به صورت اسم و چه به صورت ضمیر پس از حرف اضافه قرار می گیرد.

He fell off the bridge.

\* He fell the bridge off.

She looked for it.

Jackie is very similar to her mother.

We are afraid of them.

He was sorry about the accident.

Are you responsible for it?

اما اگر فعل ها با ادات قیدی همراه شود، مفعول اگر به صورت اسم باشد، می تواند بین فعل و ادات قیدی قرار بگیرد یا پس از ادات قیدی بیاید. اما در صورتی که مفعول به صورت ضمیر باشد، بین فعل و ادات قیدی قرار می گیرد که به این نوع عبارات فعلی، جداشدنی می گویند.

- 1. She switched off the light. She switched the light off.
  - She switched it off.
- \* She switched off it.
- 2. Give me back my watch.

Give me my watch back.

\*Give back me my watch.

## (Grammar for University Students) کرامر برای دانشجویان

3. I am going to wake Peter up.

I am going to wake up Peter.

I am going to wake him up.

\*I am going to wake up him.

اما در جمله های طولانی تر، فعل و قسمت دوم آن جدا نمی شود.

She gave in her test which was finished.

نکته (۱): کلمه هایی که می توانند در نقش ادات قیدی همراه فعل ها باشند، محدودند و عبارتند از:

above, about, across, ahead, along, (a)round, aside, away, back, before, behind, below, by, down, forward, in, near, off, on, out, over, through, under, up

نکته (۲): فعل های دوقسمتی (مرکب) که بدون مفعول هستند، همیشه جدا نشدنی میباشند.

We get up at 5 o'clock every morning.

نکته (۳): در فعلی که ادات قیدی به کار رفته باشد، استرس روی قسمت قیدی می باشد. اگر فعل به همراه حرف اضافه باشد، استرس روی قسمت فعلی خواهد بود.

نکته (٤): در ادامه به معرفی چندین فعل دوقسمتی (مرکب) جدا شدنی و جدانشدنی پرداخته می شود که معادل انگلیسی آن ها نیز آمده است.

### فعل های دوقسمتی (مرکب) جدا نشدنی (inseparable phrasal verbs)

PHRASAL VERB	MEANING	PHRASAL VERB	MEANINIG
back out of	desert; fail to keep promise	go over	review
bear down on	learn on; browbeat	go with	harmonize with; look pleasing together
bear on	have to do with	go without	abstain from
bear up under	endure	hang around	remain idly in the vicinity of

# Two-word (Phrasal) Verbs(مرکب)

break in on	interrupt	hear from	receive a communication from
break into	interrupt	hear of	learn about (sometimes accidentally)
call for	come to get; require	hit in	discover accidentally
care for	like; guard; supervise; maintain	hold on to	grasp tightly
carry on about	to talk excitedly or at length about someone/something	hold out against	resist
carry on with	continue	keep at	preserve at
catch up with	cover the distance between oneself and others	keep to	persist in; continue
catch up on	examine; verify	keep up with	maintain the pace
come across	find accidentally	lie down on	evade; fail to do
come along with	accompany; make progress	live on	support/sustain oneself by means of
come by	find accidentally	live up to	maintain the standard demanded of
come down with	become ill with	look after	take care of
come out with	utter; produce	look back on	remember nostalgically
count on	rely on	look forward to	anticipate
cut in on	interrupt	look up to	respect; admire
disagree with	cause illness or discomfort with	make up for	compensate for
do away with	abolish	pass on	transmit

# Grammar for University Students) گرامر برای دانشجویان

7.1			
do without	deprive oneself of	pick on	tease; bully
drop in at/on	visit casually without planning	play up to	flatter for personal advantages
drop out of	leave; quit	put up with	tolerate
face up to	acknowledge	read up on	search out information in
fall behind in	lag; not progress at required pace	run against	compete against in an election
fall back on	use for emergency purpose	run away with	leave; escape from
fall out with	quarrel with	run for	campaign for
fill in for	substitute for	see about	consider; arrange
get ahead of	surpass; beat	see to	arrange; supervise
get around	evade; avoid	settle on	decide on; choose
get away with	do without being caught/punished	stand for	represent; permit
get by with	manage with a minimum of effort	stand up for	support; demand
get down to	become serious about; consider	stand up to	resist
get in	enter (a vehicle)	stick to	persist
get off	descend from; leave	stick up for	support; demand
get on	enter (a vehicle); mount	take after	resemble
get on with	proceed with	talk back to	answer impolitely
get through with	terminate; finish	talk over	discuss

# بخش نوزده: فعل های دوقسمتی(مرکب) Two-word (Phrasal) Verbs

go back on	desert; fail to keep (a promise)	tell on	report misbehaviour to authority
go for	like a great deal	touch on	mention briefly
go in for	be interested in; participate in	turn into	become
go on with	continue	watch out for	be careful for

### فعل های دو قسمتی (مرکب) لازم (intransitive phrasal verbs)

PHRASAL VERB	MEANING	PHRASAL VERB	MEANING
back down	retreat from position in an argument	go out	stop burning; leave one's residence
back out	desert; fail to keep a promise	go over	go; succeed
back up	move backwards	grow up	mature
bear up	endure	hang around	remain idly; dawdle
blow in	drop in to visit unexpectedly	hang up	replace a telephone receive on its hook
blow over	pass without doing harm	hold on	grasp tightly; persevere; wait while telephoning
blow up	explode; lose one's temper	hold out	continue to resist; persevere; persist
call up	telephone	keep on	continue
calm down	become calm	keep up	maintain the required pace/standard; continue
carry on	continue as before; misbehave	let up	diminish in intensity

# (Grammar for University Students) ۱۲۲

-71.14			
catch on	understand	lie down	recline
catch up	cover the distance between oneself and a moving goal	look on	be a spectator
check out	leave; pay one's bill	make out	progress; succeed
check up	investigate	make up	become reconciled
cheer up	become cheerful	move over	move to the side
clear out	leave	pan out	turn out well; be successful
clear up	become clear	pass out	become unconscious
close down	close permanently	pass on	die
close up	close temporarily	pick up	grow; increase
come about	happen	pull in	arrive
come along	accompany; make progress	pull out	deport
come back	return	pull through	survive (barely)
come by	visit someone in his/her home	ride over	ride to where someone is
come out	appear; make a social debut	run away	escape; leave; leave quickly without permission
come over	come to someone's house; come to where someone is	run down	slowly lose power so as to stop functioning
come	succeed	run off	depart running;

# بخش نوزده: فعل های دوقسمتی (مرکب) Two-word (Phrasal) Verbs

through			drain
come to	regain consciousness	sell out	sell the ownership/responsibil ity
cut in	interrupt	settle up	pay one's bill/debts
die away	fade; diminish	show off	boast by words/actions
die down	fade; diminish	show up	arrive; appear unexpectedly
die off/out	disappear; become extinct	shut up	stop talking
dress up	don fancy/unusual clothes	slow up	reduce speed
drive back	return by car	stand by	wait; be prepared to assist
drop in	visit someone casually without planning	stand up	stand; rise from sitting; last; endure
drop out	abandon some organized activity; leave; quit	stay over	remain at someone's house overnight/longer
drop over	visit someone casually	step aside	move to one side
fall behind	not progress at required pace	take off	leave the ground
fall off	decrease; lose weight	take over	assume command
fall through	fail; come to nothing	talk back	answer impolitely
fill in	substitute	throw up	vomit
find out	learn	turn around	turn so that one is facing another

# (Grammar for University Students) گرامر برای دانشجویان

			direction
fly back	return by air	turn in	go to bed
fly over	fly to where someone is	turn out	succeed; come; appear, as at public meeting
get ahead	make progress	turn up	arrive; be found unexpectedly
get along	have a friendly relationship	wait up	remain awake in anticipation
get around	circulate; move about	wake up	awaken
get off	descend from leave	walk back	return on foot to where one was
get on	enter (a vehicle); mount (a horse, etc.)	walk over	walk to where someone is
get on/along	progress; be compatible	wash out	fade/disappear from washing
get up	rise	watch out	be careful
get through	finish	wear off	fade; disappear through use/time
give out	become exhausted	wear out	become unusable through use; become used up
give up	surrender; fail to finish	work out	be successful
go back	return	wrinkle up	draw up in wrinkles; become wrinkled
go off	explode	write away	write a lot
go on	happen; continue	zoom off	leave in a hurry

### فعل های دوقسمتی (مرکب) جداشدنی (separable phrasal verbs)

PHRASAL VERB	MEANING	PHARASAL VERB	MEANING
add up	add	light up	light; illuminate thoroughly
back up	cause to move backwards; support	live down	live in such a way as to cause something to be forgotten
blow up	cause to explode; destroy by explosives	make over	remake
break down	analyze; list the parts of separately	move over	move to the side
bring about	cause to happen	pass on	transmit
bring off	accomplish	pass out	distribute
bring on	cause	pass up	not take advantage of (as an opportunity)
bring out	publish; emphasize	pay back	repay
bring over	bring	pay off	discharge a debt completely; give someone his/her final pay
bring to	revive	pick up	come to meet an escort; lift with hands/fingers; learn casually; initiate an association publicly
bring up	raise; care for from child	play down	minimize

# (Grammar for University Students) کرامر برای دانشجویان

brush out	brush the inside of	play up	emphasize
burn down	destroy by burning	point out	indicate
burn up	consume by fire	pull down	pull in a downward direction; raze
buy out	by the other person's share of a business	push across	cause to be understood/accepted
buy up	buy the whole supply of	put off	postpone
call off	cancel; order away	put on	dress in; deceive or fool
call up	telephone; summon for military service	put up	preserve (food); receive as an overnight guest
calm down	become calm	quiet down	become quiet/quieter
carry on	continue	ring up	the telephone
carry out	fulfill; complete; accomplish	rinse off	rinse the surface of
carry over	carry; continue at another time/place	rinse out	rinse the inside of
cheer up	cause to become cheerful	rule out	eliminate
chew up	chew thoroughly	run down	trace; disparage; hit with a vehicle
chop up	chop into small pieces	run off	cause to depart; reproduce mechanically

# Two-word (Phrasal) Verbs(بخش نوزده: فعل های دوقسمتی(مرکب)

1			
clean off	clear the surface of	save up	accumulate
clean out	clean the inside of	see off	accompany someone to the beginning of a trip
clean up	tidy	see through	complete; in spite of difficulties
clear out	clear the inside of	send back	send to a place where formerly located
clear up	clarify; clear the inside of	send over	send to where someone
close down	close permanently	set up	arrange
close up	close temporarily	show off	try to impress others
count in	include	shut off	cause to cease functioning
count out	exclude	slow up	cause to move more slowly
count up	calculate; count; add to a total	spell out	enumerate; state in detail
cross out	eliminate	stand up	fail to keep an appointment with
cut down	reduce in quantity	sweep out	sweep the inside of
cut off	interrupt; sever; amputate	take back	return; retract the statement
cut out	eliminate; delete	take down	remove from high position; write from dictation
draw up	write; compose (a	take in	gain; fool; visit for entertainment; deceive; make smaller

# (Grammar for University Students) ۱۳۲

	document)		(in sewing)
dress up	put clothes on; adorn	take over	take; assume command of
dust out	dust the inside of	tear down	destroy
eat up	eat completely	tear up	tear into small pieces
figure out	interpret; understand	tell off	scold; reprimand
figure up	compute	think over	consider
fill in	complete (a printed form)	think through	consider from beginning to end
fill out	complete (a printed form)	think up	create; invent
fill up	fill completely (a container)	throw away	discard
find out	discover	throw over	reject
fix up	repair; arrange in a suitable manner	tie up	tie securely; tight
get across	cause to be understood	tire out	cause to be exhausted
give back	return	touch up	repair
give out	distribute; announce	try on	put on a garment to verify the fit
give up	surrender something	try out	test
hand down	deliver; pronounce formally; leave as an	turn down	refuse; lower the volume

# بخش نوزده: فعل های دونسمتی(مرکب)Two-word (Phrasal) Verbs

	inheritance		
hand over	yield control of	turn out	produce; force into exile; extinguish (a light)
hang up	suspend	wash off	wash the surface of
have on	be dressed in	wash out	wash the inside of
have over	entertain someone informally at one's home	wear out	use until no longer usable; tire greatly
hold off	delay; restrain	wind up	finish; tighten the spring of a watch/machine
hold up	delay; rob; threaten with a weapon	wipe off	wipe the surface of
keep up	continue; keep the same pace	wipe out	wipe the inside of; decimate
leave out	omit	work out	solve
let down	disappoint	write down	record
let out	release from confinement; make larger (in sewing)	write out	write down every detail; spell out

### بخش بیست: ته جمله های سوالی

### **Question Tags (Tag Questions)**

ساختارهایی در زبان انگلیسی وجود دارد که اگر چه ظاهر سوالی دارند اما در واقع هدف گوینده، سوال واقعی نیست بلکه گرفتن تایید و تصدیق و ادامه گفتگو می باشد. ساختار آن ها متشکل از ضمیر فاعلی هماهنگ با جمله اصلی و فعل کمکی می باشد. زمان این ساختارها با زمان جمله اصلی یکسان می باشد. این ساختار به شکل سوالی می باشد و به صورت افتان falling بیان می شود. ولی در صورتی که هدف سوال واقعی باشد، جمله پرسشی به صورت خیزان rising بیان می شود.

Marie isn't from Athena, is she?

Kate works full time, doesn't she?

Those flowers are fragrant, aren't they?

He is busy, isn't he?

They weren't busy last period, were they?

I have met you before, haven't I?

She had to leave, didn't she?

I ought to complain, shouldn't I?

We have to hurry, don't we?

You don't know where my wallet is, do you?

It's no good, is it?

Nothing can happen, can it?

There is little we can do about it, is there?

Somebody wanted the drink, didn't they?

Nobody phoned, did they?

Your father has a bad back, hasn't/doesn't he?

در مثال آخر، در انگلیسی بریتانیایی هر دو حالت امکان پذیر است ولی در انگلیسی

### 140

### بخش بیست: ته جمله های سوالی Question Tags (Tag Questions

آمریکایی از do استفاده می شود زیرا در مثال بالا، has به حالت اشاره دارد و فعل کمکی نمی باشد یعنی non-auxiliary است.

نکته(۱): همان گونه که مشخص است اگر جمله اصلی مثبت باشد، ته جمله سوالی، منفی خواهد بود و اگر جمله اصلی منفی باشد، ته جمله سوالی، مثبت خواهد بود. غالبا برای درخواست اطلاعات و کمک خواستن از جمله منفی و ته جمله سوالی مثبت استفاده می شود:

You couldn't lend me a pound, could you?

نکته(۲): برخی جمله ها از قانون فوق پیروی نمی کننـد و بـی قاعـده مـی باشـند و آن ها را باید آموخت.

I'm being silly, aren't I?

Let's go to the show, shall we?

She ought to buy a dictionary, shouldn't she?

Give me a hand, will you?

Don't forget, will you?

Nice day, isn't it?

Do sit down, won't you? (در انگلیسی بریتانیایی)

Shut up, can't you?

Open the window, would you?

Not a very good film, was it?

نکته (۳): جمله های پرسشی منفی نیز برای تاکید و تایید به کار می روند.

Aren't those flowers lovely?

Weren't you photographing the birds when I walked by?

Won't he be at the dance tonight?



### بخش بيست و يک: كلمه – فعل **Verb-Word**

کلمه – فعل همان مصدر بدون to یا bare infinitive می باشد. به عنوان مثال در to play واژه play کلمه – فعل می باشد. کلمه – فعل اغلب تحت عنوان ریشه و یا شکل پایه ای فعل شناخته می شود. این نوع واژه ها پس از فعل های مدال و اصطلاحات و ساختارهایی که در ادامه خواهد آمد قرار می گیرند:

۱) یس از فعل های مدال

can, could, may, might, will, would, shall, must, should Should he come to the office today?

You cannot visit him until the doctor tells you do.

Yun Bi stated that she didn't own a car but she did own a sailboat. Do the birds in that region of world migrate to other area?

The sergeant made the recruits run four miles before breakfast. I wish she'd let her dog, the one that barks all night, come into the house.

What makes you to say that?

She must be made to comply with the rules.

hear, feel, see, watch, notice, observe

The speaker could hear the audience whisper/ whispering.

# بخش بیست و یک: کلمه – فعل Verb-Word

Janet spends hours observing the children play/ playing.

The police chief had two of his men investigate the complaint. The company will have had its consultants test the new products by next week.

7) پس از فعل های پیشنهادی نیز این ساختار کاربرد دارد. این گونه فعل ها بـرای پیشـنهاد دادن، دستوردادن، تقاضا کردن و وادار کردن به کار می روند. فعلی که پس از آن هـا بـه کـار می رود به شکل کلمه- فعل (مصدر بدون to) می باشد. این فعل ها عبارتند از:

ask, suggest, insist, request, advise, urge, propose, demand, prefer, recommend, require

پس از این فعل ها that-clause به کار می رود. به مثال های زیر دقت کنید:

Clem's advisor recommended (that) Clem take fewer units next term.

Chandra said that she preferred (that) a driving instructor, rather than a friend, teach her to advice.

اصطلاح ها و عبارت هایی وجود دارد که همانند فعل های پیشنهادی(proposal) کارکرد دارند. این عبارت ها و اصطلاح ها عبارتند از:

It is important/essential/necessary/preferable (that)...

We saw a proposal (that)...

There is a requirement (that)...

*The rule is that...* 

He plans to request (that)...

A recommendation was made (that)...

There has been a motion (that)...

He saw the notice (that)...

## (Grammar for University Students)کرامر برای دانشجویان

I believe it's urgent (that)...

It was suggested (that)...

He thinks it's vital (that)...

There was a notice on the bulletin that all students who need housing go to room 742.

A motion has been made that meeting be dismissed.

It was essential that we sign the lease before the end of the month.

The committee suggested that we should hold more meetings.



### بخش بیست و دو: بدل

### **Apposition**

بدل عبارتی است که قبل یا بعد از اسمی که می خواهد آن را توصیف کند، قرار می گیرد و همان معنا و مفهوم اسم را دارد. عبارت بدل در بردارنده متمم خبری است؛ به تنهایی و بدون فاعل و be به کار می رود. بدل می تواند یکی از نقش های اسمی، وصفی، قیدی یا عبارت حرف اضافه را ایفا کند.

The lecturer on data processing is Professor Nelson, an expert in computer technology. (اسناد اسمی)

The professor, unaware that many of his students were asleep, went right on lecturing. (اسناد وصفى)

The gentleman over there by the door is our accountant. (قيد) Mr. Brown, in a hurry to get home, took a taxi from the airport. (عبارت حرف اضافه)

### جایگاه بدل

جایگاه بدل به طور معمول پس از اسمی است که بدان اشاره دارد. البته اگر بـدل بـه فاعل اشاره داشته باشد، می تواند در جایگاه آغازین یا پایانی قرار گیرد (البتـه جایگاه یایانی کمتر متداول می باشد).

The town, once a prosperous seaport, is now completely deserted. Seriously ill, the boy had to be taken to the hospital at once. Jane was chosen to take part in a Youth Forum on television, by far the best student in the class.

نکته(۱): اسم بدل می تواند پس از متمم خبری به عنوان اسم خبری به کار رود. New York, a city which has eight million people, has always

## (Grammar for University Students)کرامر برای دانشجویان

(جمله واره وصفى) fascinated me.

New York, a city housing eight million people, has always fascinated me. (عبارت وصفى)

New York, a city of eight million people, has always fascinated me. (عبارت حرف اضافه)

نکته(۲): صفت های بدل می توانند بعد از متمم به عنوان توصیف کننده خبری به کار روند.

The man, aware that he had made a mistake, tried to correct it. (جمله واره that)

The man, eager to correct his mistake, said he would send a revised bill. (عبارت مصدرى)

The man, aware of his mistake, tried to correct it. (عبارت حرف اضافه)

My neighbour's son, a great collector of stamps, asks me for every foreign stamp that I get.

The leaves are failing from the trees, an indication that winter is not far away.

Once full of the constant hubbub of arriving and departing ships, the 140arbor is now deserted.

A new generation, no more agree to fight than the previous generation, has grown up since the war.

### بخش بیست و سه: ساختارهای معلق

### **Dangling Structures**

در زبان انگلیسی به طور معمول فاعل جمله واره قیدی با جمله واره اصلی یکسان است. My wife had a long talk with Sally, explaining why she didn't want the children to play together.

در این جمله my wife فاعل explaining می باشد.

در ساختارهای مقدماتی یا شروع کننده جمله که در داخل خود، فاعل مشخص و خاصی را ندارند، از فاعل جمله واره مستقل (independent clause) به عنوان فاعل استفاده می شود:

- a) After eating dinner, Bertha cleaned the table.
- b) While a dancer in New York, Kathy injured her leg.
- c) Looking at his watch, Mr. Brown got up and left.

اما اگر فاعل جمله واره مستقل نتواند به عنوان فاعل عبارت مقدماتی استفاده شود، آن جمله را معلق می نامند، چون فاعل آن مشخص نیست و در نتیجه معنا و مفهوم جمله، مبهم می شود:

- d) After eating dinner, the table was cleaned.
- e) Looking out of the window of our hotel room, there was a wonderful range of mountains.

در جمله های (d) و (e) فاعل های قسمت دوم نمی توانند به عنوان فاعل قسمت اول عمل کنند. بنابراین تا جایی که امکان دارد باید از به کارگیری و استفاده از چنین ساختارهایی خودداری کرد و بهتر است که برای قسمت اول، فاعل جداگانه ای آورده شود یا جمله را به گونه ای نوشت که مانند جمله (a) فاعل قسمت دوم بتواند به عنوان فاعل قسمت اول به کار رود.

While waiting for the doctor, there are numerous magazines

that you can read.

A timid person, every little thing frightened him.

چند مثال دیگر:

1) \*After reading the original study, the article remains unconvincing.

After reading the original study, I find the article unconvincing.

2) \*Relieved of your responsibilities at your job, your home should be a place to relax.

Relieved of your responsibilities at your job, you should be able to relax t home.

3) \*The experiment was a failure, not having studied the lab manual carefully.

They failed the experiment, not having studied the lab manual carefully.

### بخش بیست و چهار: ساختارهای مطلق

### **Absolute Constructions**

ساختارهای مطلق به جزء دستوری آزاد در جمله می گویند که دارای فاعل و خبر (مسند) می باشد. فاعل در این نوع عبارت ها تغییر نمی کند به هین دلیل گاهی به آن حالت فاعلی مطلق (nominative absolute) می گویند. در جزء خبری فعل صورت خود ایستا (finite) به وجه وصفی تبدیل می شود و در صورت وجود که این فعل کمکی حذف می گردد.

### انواع ساختارهای مطلق

الف- همراه فعل

۱) حالت کلی

• معلوم

The train being late, we missed our plane.

• مجهول

Their home ruined by fire, they had to ask their neighbours for shelter.

٢) حالت كامل

• معلوم

The play having ended, we went backstage to congratulate to actors.

• مجهول

Their crops having been destroyed by the floods, the farmers appealed to the government for help.

نکته: در صورتی که ساختار مطلق به ارایه توضیحاتی درباره جزییات پرداخته باشد، شکل های مختلف be را می توان حذف کرد.

## Grammar for University Students)گرامر برای دانشجویان

She sat despondently in a corner, her hands over her eyes. The boy came running into the room, his face and hands covered with mud.

١) اسم

His former palatial home now a summer resort, he reflected on the sad turn of events which had brought this about.

٢) صفت

The old mining town was utterly deserted, its streets gray and dead.

٣) عبارت همراه حرف اضافه

She looked at the man curiously, her head slightly to one side.

٤) قيد

His terrible ordeal over, he did nothing but sleep for several days.

پ- همراه with

۱) معلوم

She stood before him hopefully, with the recommendation held tightly in her hand.

۲) مجهول

She stood before him hopefully, with the letter of recommendation in her hand.

نکته: در ساختارهای مطلقی که with/without به کار رفته باشد، عبارت حرف اضافه ساخته می شود.

از آنجایی که ساختارهای مطلق عوامل محدود کننده ای می باشند، این ساختارها

# بخش بیست و چهار: ساختارهای مطلق Absolute Constructions

می توانند سه جایگاه قیدی \_ آغازین، میانی و پایانی \_ داشته باشند. اما عموما در دو جایگاه آغازین و پایانی قرار می گیرند. اگر ساختار مطلق بیان کننده دلیل و علت کاری می باشد، بهتر است که آن را در جایگاه آغازین قرار داد. اما برای ساختاری که از نظر منطقی با عبارت اصلی هماهنگ می باشد، بهتر آن است که آن را در جایگاه پایانی قرار داد.

الف- جايگاه آغازين

١) بيان دليل و علت

The table not having been constructed properly, one of the legs became loose.

۲) نشان دادن زمان

Dinner (being) ready, the hostess asked her guests to be seated. ت- جایگاه میانی

The children, many of them only infants, were left with nothing to eat.

پ- جایگاه پایانی

١) ساختار مطلق توضيحاتي درباره جمله مي دهد.

She looks almost like her twin sister, the only difference being that she is a little taller.

۲) ساختار مطلق به عنوان بیان کننده ایده و نظریه ای می باشد که در جمله اصلی از
 آن نام برده شده است.

The man work in two shifts, the first starting at 8 a.m., the second at 4 p.m.

۳) ساختار مطلق توضیحات گسترده ای را در باره موضوعی که در جمله اصلی آمده است را بیان می دارد.

We could see the mountain from our hotel, its steep slopes bare of

vegetation, its snow-capped peak disappearing into the clouds.

٤) ساختار مطلق به رویدادی اشاره می كند كه همزمان با جمله اصلی روی داده است.

For a long time he lay ill in bed, the days blending into the nights in one mass of oblivious.

نکته: گاهی مصدر می تواند به عنوان فعل در ساختارهای مطلق به کار رود. در بسیاری از موارد این مصدر می تواند گذشته be باشد که به معنا و مفهوم قسمتی از طرح و نقشه در آینده می باشد.

They decided to row all night, all the men to take turns. They decided to row all night, all the men were to take turns.

در صورتی می توان به جای مصدر از وجه وصفی استفاده کرد که تاکیدی برای انجام آن در گذشته وجود نداشته باشد.

They decided to row all night, all the men were taking turns.

#### تفاوت ساختار مطلق با ساختار معلق

از آنجایی که ساختار مطلق معمولا درابتدای جمله می آید، به راحتی با ساختار معلق اشتباه گرفته می شود. ساختار مطلق تمام جمله را توصیف می کند، نه فاعل جمله. می توان ساختار مطلق را با ترکیب دو جمله در یک جمله به دست آورد و یا این که دو جمله کاملا متفاوت از نظر ساختاری حاصل کرد.

No other business arising, the meeting was adjourned. The pain now dry, we brought the furniture out on the desk. The truck finally loaded, they said goodbye to their neighbours and drove off.

The horse loped across the yard, her foal training behind her.



### بخش بیست و پنج: ساختارهای موازی

### **Parallel Structures**

جمله ها و عبارت هایی که به یکدیگر مرتبط و وابسته می باشند باید از لحاظ ساختار با یکدیگر یکسان باشند. این جمله ها و عبارت ها را یا با حرف های ربط همآیندی مانند or, but, and و یا با حرف های ربط همآیندی مانند

not only ...but also, neither...nor, either...or, both...and به یکدیگر ارتباط می دهند. به طور کلی، این حرف های ربط می توانند اسم ها، صفت ها، جمله واره های مستقل و وابسته را به یکدیگر ربط دهند.

She knows how to interpret abstract ideas and how to write the fine essays.

جمله بالا از نظر ساختار یکسان و موازی می باشد. زیرا دو عبارت قبل و بعد and به صورت مصدر آمده است. اما مثال زیر نادرست و غیر موازی است؛ زیرا ساختار قبل and به صورت مصدر آمده است در حالی که ساختار بعد از آن به صورت اسم مصدر می باشد. She knows how to interpret abstract ideas and writing the fine essays.

به نمونه های زیر دقت کنید.

Sarah and I always like to shop at specialty shops, in shoe stores, and in the home stores.

\*Sarah and I always like to shop at specialty shops, shoe stores, and in the home stores.

She went to the library and studied English there.

\*She went to the library and has studied English there.

Perle wrote that they had received our invitation and that they would attend.

\*Perle wrote that they had received our invitation and would attend.

The best places to eat are casual, fun, and inexpensive.

\*The best places to eat are casual, fan, and you can get a meal for cheap.

I need talk to the manager or the assistant manager.

She invites us to her home but never talks with us.

The chicks will be ready not at noon but at 10:00.

My boss is sincere and nice.

I wanted more popcorn, but Sam wanted Junior Mints.

Mr. Brown likes to go home early, but his wife prefers to stay late.

I know both where you went and what you did.

Either Mark or Sue has a book.

The tickets are neither in my pocket nor in my purse.

He is not only an excellent student but also an outstanding athlete.

#### حرف های ربط همیایگی Coordination Conjunction

این جرف ها عبارتند از: and, or, nor, but, for, do, yet. جمله هایی را به یکدیگر مرتبط می سازند که دارای ساختار مشابه و یکسانی هستند.

• and برای نشان دان ملحقات و اضافات به کار می رود.

Martha and I had met Janet before going to the U.S.A. Juanita is brilliant and Tashonda has a pleasant personality.

• or , nor برای بیان اختیار و جایگزینی به کار می رود. nor در جمله های منفی به کار می رود.

Mary or John will meet you at the airport.

I don't speak French, nor do I write.

The New Hamshire State motto is rather grim: Live for free or die.

• but, yet تضاد و تقابل را نشان می دهد.

# بخش بیست و پنج: ساختارهای موازی Parallel Structures

Linda likes jazz but Rita prefers country music.

His voice was very weak, yet the students understood him. Ulysses wants to work for that company, but he had trouble meeting the academic requirements.

• for دلیل انجام عملی را می رساند.

He couldn't lecture for the entire hour, for he had a sore throat.

#### حرف های ربط همآیندی Correlative Conjunction

این حرف های ربط از دو قسمت تشکیل یافته اند که عبارتند از:

either...or neither...nor not only...but also both...and

• either...or برای انتخاب کردن و جایگزینی به کار می رود و به معنای «یا این either...or یا آن» می باشد.

Either you must tell the truth, or you must go to jail.

I can't call either your father or your mother.

In the fall, Phillip will either start classes at the community college as his mother wishes or join the Navy, his father's hope.

Neither is money important to me, nor is success important to me.

I want neither fortune nor fate.

Neither Yolanda nor the cousins expressed their disappointment when blind Aunt Sophie set down the plate burn hamburger.

Neither TV nor the video actually work(s).

• not only...but also به معنی «نه تنها...بلکه همچنین» می باشد. چندین الگو برای استفاده از این اصطلاح وجود دارد. البته باید توجه داشت که اگر not only در ابتدای جمله قرار گیرد، جمله حالت سوالی به خود می گیرد.

Not only do we need a new stove, but also we need a new refrigerator. Not only does he need a stove, but he also needs a new refrigerator. Michel grilled meat not only for Tiffany but also for Rocket, her dog.

• both...and برای ارتباط دادن عبارت هایی به کار می رود که دارای ساختار مشابهی هستند.

Both our grammar teacher and our reading teacher are sick.

#### قیدهای ربطی Conjunctive Adverbs

رایج ترین قیدهای ربطی عبارتند از:

الف- قيدهايي كه تضاد را نشان مي دهند:

however, nevertheless, still, on the contrary

Some people think he's lazy; on the contrary, he's very industrious.

A good student usually gets good grades; however, a poor student gets poor grades.

There are many people who like to buy on the installment plan; still, I prefer to buy for cars.

His new wife is very beautiful and charming; nevertheless, she can't cook at all.

moreover, furthermore, also, besides

We're prepared for our trip; furthermore, we haven't received our passports yet.

He sings and dances very well; besides that, he plays the piano.

## بخش بیست و پنج: ساختارهای موازی Parallel Structures

People appear to be careful of what they eat; also they exercise more than they used to.

I have never gone deep-sea diving; moreover, I'm afraid to try it.

Bill passed all his examination; in fact, he graduated with honours.

hence, consequently, thus, therefore, as a result, accordingly Peter didn't like his job; therefore, he quit.

There are many industries in that area; consequently, unemployment is low.

Many French people didn't understand English very well; as a result, I used a lot of gesture.

The weather has been extremely cold all winter long; consequently, they are going to Miami Beach to get some sunshine.

There is no demand in the United States for the type of car you sell; accordingly, I cannot give you an order for this car.

We must all eat the proper food; otherwise, we'll get sick.

then, afterward, later (on)

They talked for about an hour; afterward they took a walk.

The student demonstrators destroyed the student union; then they marched toward the library.

Feeling tired, Ben took a nap; later he resumed working.

# بخش بیست و شش: عبارت اسم معنی Abstract Noun Phrase

عبارت اسم معنی ساختاری است که در آن فعل و صفت خبری به اسم تبدیل می شود و بدین ترتیب این اسم مبنای ساختار دستوری می گردد. سایر تغییرات همانند آن هایی است که در عبارت اسم مصدر روی می دهد. در عبارت اسم معنی آوردن فاعل اختیاری است. اگر فاعل بیاید، به شکل مالکیت خواهد بود:

he was very diligent ≠ his great diligence
the woman was jealous ≠ the woman's jealously
the soldier was courageous ≠ the soldier's courage
he rejected that good offer ≠ his rejection of that good offer
معمولا مفعول در این نوع عبارت به همراه of می باشد. با این حال می تواند به
صورت مالکت در آید و با به همراه حرف های اضافه غیر از of باشد.

The seizure of Bastille was the beginning of the French Revolution. The damage to the flooded area was so great that the government is declaring it a disaster area.

He began to embezzle money from his clients in order to satisfy his desire for more and more luxuries.

Nothing can shake his trust in God.

Their attack on enemy positions was unsuccessful.

فاعل	His speech against his opponent was full of insulting epithets.
مفعول	The execution of the prisoners will cause much public disapproval.
مفعول حرف اضافه	We talked about his rejection of that good offer.
مفعول حرف اضافه	By his rejection of that good offer, he showed very poor judgment.

	بخش بیست و شش: عبارت اسم معنی Abstract Noun Phrase
در عبارت قی <i>دی</i>	
متمم فاعلى	What that I can't understand is his rejection of that good offer.
بدل	I can't understand one thing _ his rejection of that good offer.

اسم هایی که در ابتدای عبارت اسم معنی به کار می روند از فعل یا صفت های خبری اشتقاق یافته اند. شکل چنین اسم هایی ممکن است که تغییر کند یا این که تغییری در آن ها ایجاد نشود. به نمونه های زیر دقت کنید:

answer – answer expect – expectation equal – equality
obey – obedience mortal – mortality polite – politeness
resemble – resemblance

نکته (۱): فاعل در عبارت اسم معنی همانند فاعل در عبارات اسم مصدری به کار می رود.

The explosion of bombs on all sides made the inhabitants fear for their lives.

He was upset by his secretary resignation.

نکته(۲): مفعول عبارت اسم معنی معمولاً در عبارت های دارای of به کار می رود. اما با این وجود

می تواند به شکل مالکیت یا با حرف اضافه ای غیر از of همراه شود. عبارت اسم معنی مانند اسم مصدر، به عنوان اسم کاربرد دارد.

نکته (۳): مصدر برخی از مفعول های فعل های خود ایستا (finite verbs) حرف اضافه ای غیر از of را می پذیرند هنگامی که اسم معنی از این فعل ها مشتق می شود. به جدول زیر دقت شود.

for	demand, desire, pity, preference, request, respect, reverence, urge, wish
to	address, answer, assistance, damage, injury, obedience, resemblance, resistance
on	attack
in	trust, belief

he demand money  $\neq$  his demand for money she answered his letter  $\neq$  her answer to his letter the enemy attacked the town  $\neq$  the enemy's attack on the town we trust him  $\neq$  our trust in him

#### اسم در عبارت اسم معنی

١) اسم مشتق شده از فعل

الف- اسم با پسوند پایانی اشتقاقی tion, -ance, -al, -age, -ment و غیره.

he moved slowly: his slow movement

ب- اسم به همراه فعل با همان شکل نوشتاری و تلفظی

John loved money: John's love of money

۲) اسم مشتق شده از صفت خبری (مسندی)

الف- اسم هایی با پسوند پایانی اشتقاقی ness, -y, -ance, -ity و غیره.

he was very vigilant: his great vigilant

ب- اسم بدون پسوند پایانی اشتقاقی

the soldier was courageous: the soldier's courage

آن چه که در این جا باید مورد توجه قرار گیرد این است که اسم های عبارت اسم معنی نه تنها با اعداد به کار نمی روند، بلکه دارای زمان و شکل مذکر و مونث نیز نمی باشند و این اسم ها هیچ ارتباطی با معلوم و مجهول ندارند. به عنوان مثال عبارت the development of the land

را می توان به صورت معلوم

someone developed the land

و يا به صورت مجهول

the land was developed (by someone)

### بخش بیست و شش: عبارت اسم معنی Abstract Noun Phrase تفسیر کرد.

عبارت اسم معنی می تواند به عنوان فاعل جمله به کار رود مانند مصدر و اسم مصدر: The possession of firearms is a misdemeanor. (be فعل)

His great love for his wife made him blamed to her many faults. (فعل سببی)

Their separation after 20 years of marriage surprised their friends. ((فعل حسى ( ادراكي))

آنجایی که عبارت اسم معنی، نقش اسمی قالب تری را نسبت به عبارت مصدری یا عبارت اسم مصدری دارد، عبارت اسم معنی می تواند به عنوان فاعل فعل اصلی به کار رود، به ویژه با فعل هایی که مجهول هستند:

The committee's report to the governor is being prepared now. Congressional approval of the measure is expected soon.

عبارت اسم معنی می تواند به عنوان مفعول حرف اضافه with به کار رود که با ساختار مطلقی که آن نیز با with همراه می باشد، ارتباط دارد.

With the arrest and imprisonment of the prowler, everyone in the neighbourhood felt relieved. (عبارت اسم معنى)

With the prowler arrested and imprisoned, everyone in the neighbourhood felt relieved.( with ساختار مطلق به همراه)

الف- تغییر قید های ly دار به همراه فعل

she was promoted rapidly: her rapid promotion they failed completely: their complete failure

اگر قیدها فاقد 1y باشند، شکل وصفی که به همراه اسم معنی به کار می رود، همانند شکل قیدی آن خواهد بود.

the train arrived late : the late arrival of train
(predicate adjective) ب- تغییر قیدهای ly دار به همراه صفت های خبری
she is frequently absent : her frequent absence

#### جایگاه عبارت اسم معنی

جایگاه و قواعد نقطه گذاری عبارت اسم معنی همانند اسم مصدر می باشد. عبارت اسم مصدر می تواند نقش فاعلی و مفعولی بگیرد. در این حالت مانند ساختارهای اسمی رفتار می کند و کاما به کار نمی رود.

The sudden death of an old friend was a great shock to them. The construction of bridges is a difficult undertaking.

اما اگر كاركرد بدلى داشته باشد كاما، دو نقطه يا خط تيره به كار مى رود.

Only one problem still remains\_ the storage of the grain. They have one major concern: the proper education of their children.



### منابع

- 1. Ansari, M.J. (2009). <u>400 TOEFL Tests.</u> Qom: Fanouse Andishe.
- 2. Aronson, T. (1984). <u>English Grammar Digest</u>. New Jersey: Prentice Hall, Inc.
- 3. Azar, B. S. (2010). <u>Fundamentals of English Grammar</u> (3<sup>rd</sup> Edition). New York: Pearson, Longman
- 4. Broukul, M.& Nolan-Woods, E. (2001). <u>NTC's</u> <u>Preparation for the TOEFL</u>. Illinois: National Text book Company.
- 5. Dixon, R.J. (1959). Grade Exercises in English. :Regents Publishing Company.
- 6. Frank, M. (1993). <u>Modern English: A Practical Reference Guide</u>. :Regents/ Prentice Hall.
- 7. Frank, M. (1972). <u>Modern English: Exercise for non-native Speakers (Part 1)</u>. New Jersey: Regents/Prentice Hall.
- 8. Frank, M. (1972). <u>Modern English: Exercise for non-native Speakers</u> (Part 2). New Jersey: Regents/Prentice Hall.
- 9. Gear, J. (1993). <u>Cambridge Preparation for the TOEFL</u> <u>Test.</u>: Cambridge University Press.
- 10. Haghshenas, A., Samaei, H. & Entekhabi, N. (2006). Millennuium English-Persian Dictionary. Tehrsn: Farhang-e Mo'aser Publisher.
- 11. <u>Longman Exams Dictionary</u> (2006). Longman: Pearson Education Limited.
- 12. Oxford Advanced Learner Dictionary (2010). : Oxford University Press.
- 13. Parrot, M. (2000). <u>Grammar for English Language Teachers.</u> Cambridge: Cambridge University Press.
- 14. <u>Peterson's Master TOEFL Writing Skill</u> (Ebook). (2007). Peterson's, NaInet Company.

# ۱۵۸ کرامر برای دانشجویان(Grammar for University Students)

- 15. Phillips, D. (2001). <u>Longman Complete Course for the TOEFL Test.</u> New York: Pearson Education Company.
- 16. Pollock, C. W.(1982). <u>Communicate What You Mean</u>. New Jersey: Prentice Hall Inc.
- 17. Sharpe, P. J. (1995). <u>TOEFL Barron's</u>. New York: Barron's Educational Series, Inc.
- 18. Swan, M. (1995). <u>Practical English Usage</u>. Oxford: Oxford University Press.
- 19. Wishon, G. E. & Burks, J. M. (?). <u>Let's write English</u> (Part 1). New York: American Book Company.
- 20. Wishon, G. E. & Burks, J. M. (?). <u>Let's write English</u> (Part 2). New York: American Book Company.